

حقیقت

شماره ۵۳ ۱۳۵۸ دی ۱۸

گرامی باد یاد شهیدان ۱۹ دیماه قم! افاضلی جلاد اعدام باید گردد!

در این شماره:

- ۱- "انحرافات" ما صفحه ۱۶
- ۲- بازرگان و حزب توده صفحه ۱۶
- ۳- مبارزه "فدا میریالیستی" "هیا هو" نیست صفحه ۱۶
- ۴- افغانستان و حزب توده صفحه ۱۶
- ۵- فرستادگان دولت را بناسید صفحه ۸
- ۶- یک سندتکان دهنده صفحه ۶
- ۷- و... صفحه ۶

تجاوز نظامی شوروی به افغانستان

پنجشنبه شب ۶ دیماه رژیم حفیظ الهامین در افغانستان ساقط گشت ورژیم ببرک کارمل زمام امور را بدست گرفت. این تغییر و تحول در رژیم وابسته به امپریالیسم شوروی، در نتیجه مداخلة و تجاوز نظامی همه- جانبه و آشکار شوروی به افغانستان صورت پذیرفت. از چندین پیش اخباری مبنی بر پیاپی شدن نیروهای نظامی شوروی در افغانستان منتشر می‌گشت که وقیحا نه از طرف دستگاہای تبلیغاتی مسکو، تکذیب می‌گردید. ولی این بار، تجاوز آنچنان وسیع و گسترده بود که کتمان آن فقط بی آبرویی محض می‌بود. شوروی ناچار آن را تأیید کرد ولی درپوش دفاع از "انقلاب" در افغانستان؟! "سخنگوی دولت آلمان غربی" به خبرنگاران گفت بقیه در صفحه ۲

انتخابات ریاست جمهوری

زمان انتخابات ریاست جمهوری نزدیک میشود و تا کنون دهها تن خود را نامزد این مقام کرده‌اند. بنا به قوانین فدا انقلابی و محدودیتی که قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان تعیین کرده و شرکت انقلابیون امیل را شدیداً محدود میکند، افرادی با صلاحیت‌ها کمتری کشور یعنی آیت-الخمینی به‌رای ملت گذارده خواهند شد. مطبوعات روزگوشورا زهم‌کنون به‌اظ نظر در باره نامزدهای احتمالی مقام ریاست جمهوری پرداخته‌اند و بویژه بروی افرادی که کمترین و بهترین شناخته شده و دارای پشتوانه حزبی وسیع و توده‌ای میباشند دست می‌گذارند. در این میان چهره‌هایی مانند تیمسار مدنی استاندار خوزستان، که دست‌های از مدت‌ها پیش تبلیغات وسیعی در اطراف وی برآه انداخته و دارای هواداران بسیاری در نیروهای مسلح بویژه نیروی دریایی

آمریکای هار پارس میکند

چند روز پیش سایروس وینس، وزیر امور خارجه آمریکا، آشکارا و با وقاحت تمام و بی‌سندیک تک‌رحم- خورده ایران را تهدید نظامی کرد: "اگر این جامعه بین‌المللی اقدام نکند در حالیکه توانایی اختیار آن پایمال شده است، نه تنها امکان استقرار صلح در این بحران ناچیز می‌دانیم، بلکه خودچنین صلحی را بقیه در صفحه ۴

همراه مبارزه علیه امپریالیسم، به‌پیش در راه نابودی فئودالیسم

تنظرات و راه‌پیمایی گروهی از دهقانان روستاهای استان مرکزی در روز ۴ دیماه ۵۸ در تهران و همچنین نمایشهای سیاسی بسیاری در تهران و مناطق دیگر توجه مردم شهر را به‌واسطه جمعیت موجود در دهات ایران متوجه ساخت. در این نظراتها بخش‌هایی از جوانانی که بنا به مسأله زندگی به روستاها رفته و تحت تاثیر و اقعیات روستا و مبارزه حق طلبانه دهقان علیه مالک و هواداران دولتی و محلیش قرار گرفته بودند و همچنین جوانان پاسدار شرکت و نقش داشتند، آن‌ها با شعارهایی از قبیل اینکه "فئودالیسم نابود است"، "زمینهای مزرعی از دست خان و ارباب آزاد باید گردد"، "مرگ فئودال" و غیره توی دهان آن کسانی زدند که مانند یزدی ملاک، وزیر کشاورزی سابق، منکر هر گونه فئودالیسمی در دهات بوده و استم اربابان و ملاکان قدیم و جدید را بر توده‌های دهقانی کشور مانکار می‌کردند. دهقانان و هواداران آنها با مداخلة در امور دولت و موضعگیری بنفع استاد رضا صفهائی، معاون وزیر کشت و زری کنونی، که از سوی محافل بورژوا و هوادار مملکت در دولت و شورای کشاورزی تهران، (یا بقول خود ایشان) (اخمی‌ها و زده‌ها)" به انفعال از مقام تهدید می‌شد، مبارزه خود را به شهر کشیدند، تا بدینسان نصرت دیرینه خود را از فئودالیسم و هواداران آشکار و پنهان آن و ضرورت پیوند یافتن مبارزات فدا میریالیستی کنونی در شهرها را با مبارزات دهقانی در دهات بگوش اهالی بقیه در صفحه ۳

تکامل یا خفه کردن مبارزه ضد امپریالیستی؟

۲ ماه از آغاز لانجا جوسی امپریالیسم آمریکا، که بدنیا ل خود موج وسیعی از نظراتهای ضد- امپریالیستی به‌مراه داشت میگذرد. ما از همان ابتدا گفتیم که این مبارزه در تنگنا مل خود بسیاری از خطوط و جایگاه واقعی نیروهای سیاسی را روشن خواهد ساخت، و امروز بروشنی می‌توانیم نمودهای گوناگون روشن تر شدن حرکت نیروهای سیاسی

مختلف را ببینیم. امروز با زهم‌بروشنی معلوم گردیده است که، مبارزه ضد امپریالیستی و به تحقیق رساندن پیروز- مندان آن، یعنی محو کامل تمام وابستگی‌ها و در تنگنا می‌شوند بدون مبارزه‌ای جدی بر علیه پایگاه‌ها و نیروهای وابسته به امپریالیسم در داخل و طرد پائین کشیدن نیروهای

حقیقت

انتخابات ...

را برای جلب اهالی درگنا رخود دارد ویا آقای کاظم‌سامی که از زمینان خرده بورژوازی با زاردر تهران ویر - خنی روحانیون و روشنفکران متمایل به "چپ" مذهبی بخشی را احیاناً به دنبال میکشد، بیش از دیگران موضوع قلم‌زنی روزنامه‌های صبح و عصر میباشند. اجزای بورژوازی ملی ولیبیرال سازشکارمانند جبهه ملی و نهضت آزادی از جمله محسناقل روشنفکران که پراورد مسلک و غربگرا و هواداران بختیارخان که با آنها درآمیخته‌اند، علی‌الظاهرنا مزیدی را برای انتخابات معرفی نکرده‌اند قاعدتا این روش پس از افشاگری دانشجویان پیروخط امام در باره خط سازشکاری و مصاشات با امپریالیسم آمریکای و فاش شدن چهره‌های خیانتد - همیشه ای از ایشان صورت گرفته‌است. لیکن تلویحا روشن است که ایسین جماعات در میان نامزدهای اشتغال با نئی تاکنون معرفی شده‌کما بیش به چهره‌ای چون تیمسار مدنی، که با آنان رابطه داشته و منادی "نظم" و "امنیت" گذاشتی است، تمسایل داشته‌و دارند.

در این میان لازم است اشاره ای به آقای مدنی، این تیمسار جاه طلب که از همان یگا پیروزی بر رژیم سلطنتی بشکر ریاست جمهوری افتاد و مصرا نه در این قسمت تلاش ورزید، بکنیم؛ زیرا این شخص بدون شک از جمله خطرناکترین چهره‌هایی است که در این برهه‌ها از تاریخ مبارزات حق طلبانه ملت ما نقش بازی میکنند و بدون هدف نیست. در باره این شخص که طاهرا در ارتباط با جبهه ملی نیز میباشده تنهادر میان هواداران بختیارخان و رده‌هایی از ارتش توافقاتی موجود است، بلکه در میان برخی از روحا - نیون و تجار ضد کمونیست، ملاحظات و زدوبندهای پشت پرده‌ای موجود میباشند. علاوه بر این به روی کار آوردن افراد جاه طلب و قلندر مسلکی از فاش مدنی، کم از "نظم" و "امنیت" دم میزنند و ادای رضاخان را در میا ورنه، در میان لایسه‌های معینی از روشنفکران بورژوا از جمله استادان، وکلا و کارمندان متوسط

به بالا، خرده بورژواهایی که به برکت انقلاب به مال و منال رسیده و برای محل کسب وکار خود طاق و ایوان زده حالا بدنیا ل امنیت و نظم گنبدیده خود میگردد و نمیی فهمند چگونه راه گشای دیکتاتورما بها و شاید ان سیاسی از قماش مدنی میشوند، زمینه رو به رشدی را پیدا کرده‌است.

اسلام آوری فرد زد و بندچسی و جاه طلبی چون مدنی، که در تمام قرآن تنها لغت "حساب" را باب میل خود یافته و به "یک ودو" و "ریاضیات" سوگند میخورد (اطلاعات - ۸ دیماه ۵۸) از قماش اسلام آوری های رضاخانی است. رضاخان هم میخواست که همه را "یک ودو" بخط کند و "همه چیزوری حساب" باشد (همانجا) - انقلاب خیر! حساب! در واقع آقای مدنی که مزه - ورا نه خود را به خمینی و انقلاب اسلامی اومی چسبانده، نه چندان با این سمت و سوبلکه درست به این گرایش حساب - گرانه لایه‌های فرصت طلب، که در لوی شمار "نظم و امنیت" بدنیا ل دیکتاتور میگرددند، توجه دارد؛ درحالیکه تمام چرکها و کثافات فوقانی جامعه: اورا به جلوه‌ل میدهند و با بر قدرت ها به رویش شرط بندی میکنند.

اما در اینجا باید روشن کرد که انقلابیون پیگیر از جمله کمونیستها که ادا می پیروز مندانه انقلاب را تا نیل به هدف نهائی در مدنظر دارند، در قبال انتخابات ریاست جمهوری و نامزدهای آن چه راه و روشی را باید اتخاذ کنند، بدیده ما و اولانجام چنین انتخاباتی زودرس و کشتی بسوی قانون بازی و رتق و فتق دیوانان - سالارانه مورد راین میان راه انقلاب است. این حکمیست با توجه به مصالح کلی و ضروریات عام انقلاب ما در این مرحله، تا نیا مانیم و تا نیم و نیا بسد نسبت به این انتخابات و نامزدهای آن یکسری تفاوت با شیم و توده‌های زیر رهبری خود را دعوت به مداخله نکنیم. مداخله ما نیز بر مبنی شرایط مذبندی نیروها در لحظه معین، و اینکه چه تا کتیکی در خدمت پیشبرد مبارزه طبقاتی خواهد بود، تعیین خواهد گشت. این هم حکمیست با توجه به مصالح مشخص و ضروریات خاص انقلاب ما در این مرحله. پس ما اصولا با این روند مخالفیم ولی ضمنا نسبت به آن بی تفاوت نخواهیم بود و باید مداخله کنیم.

در باره نکته اول ما هنوز نظام گذشته را در هم نگوبیده ایم که نظام نو را برجای آن ننشاندیم، و در نتیجه شرایط برای یک انتخابات آزاد توده‌ای جهت روی کار آوردن یک

تجاوز ...

ولادیمیر سمیانیف سفیر شوروی رسما به این اطلاع داده‌است سر بازان کرملین در افغانستان استقرار یافته‌اند. سمیانیف این اقدام را در چارچوب منشور سازمان ملل و پیمان دوستی بین شوروی و افغانستان توجیه کرد (آزادگان - ۸ دیماه). شوروی که پاک آبروی خود را در خطر میدید رژیم

حکومت ثابت منطبق با نظام موجود نیست. سر نوشت انقلاب ایران هنوز تعیین نشده‌است و از این رو رفتن پای اینگونه کارها در حال حاضر تصور اینک ریاست جمهوری انتخابی مساله ایجاب آن نظام مبنی را که مردم می‌خواهند حل میکنند پندار پراکنی و حد اکثر تحمیل یک راه حل اصلاح طلبانه بر اوضاع انقلابی جامعه‌است. این نظرات و بیکارهای توده‌ای مردم علیه امیریا لیسیم، فتواید لیسیم و سرما یهداری وابسته، برای ریشه‌کن سازی نظام پوسیده و ارتجاعی گذشته و در هم کوبیدن انقلابی و ازبائین مقاومت مدافعان و هواداران آن است که مساله نظم نبود دولت نو و مطلوب خلق را تعیین خواهد کرد. ما داکمک این مبارزه بشمرنرسیده‌و جامعه ما از ضد انقلاب و پاپیگامهای اقتصادی - سیاسی آن خلاصی نیافته و ارکان قدرت توده‌ای مردم برپا نشده، شرایط برای نمان قانون نویسی ها و نه ایسین انتخابات های قانونی مهیا نیست و تنها به جریانات ضد انقلابی و اصلاح طلبی ونشست و بیرخاست های دیوانان - سالارانه و مجلسی پا توانند داد.

نکته دوم اینکه علیرغم خواست

و میل ما واقعیت آرایش ووزنه نیرو - های طبقاتی حاکم بر جامعه و مبارزه توده‌ها، توده‌ها را به راه و روش های اصلاح طلبانه (غیرا انقلابی و زبالا)، که در تضاد با روند انقلابی در میان همان توده‌هاست، سوق میدهد و در نتیجه با یدبا این واقعیت روبرو شد و توده‌های مردم را بحال خود، یعنی در مجاری اصلاح طلبی و قانونی گری، تنها رها نکرد. انقلابیون باید ضمن نشان دادن تضاد دیا د شده به توده‌ها و افشای امیدهای واهی به ایسین راه و روش‌ها و حکومتی با مبالغه انتخابی با تی در این اوضاع، در امر تصمیم گیری توده‌ها و انتخاب آنها دخالت کنند و راه بر حقه بازان سیاسی، که میکوشند با تکیه بر اوها توده‌ها را جع به معجزات قانون و انتخابات سراز صدوقهای رای بیرون آورند و سپس مردم را به اطاعت و بیعت با خود قرا - خوانند، ببینند.

دست نشاننده ببرک کارمل را مجبور ساخت که اعلامیه‌ای به شرح زیر انتشار دهد: "دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان، با توجه به مداخله و توطئه دشمنان خارجی افغانستان، که هم چنان ادامه دارد و گسترش می‌یابد و به منظور دفاع از دستاوردهای انقلاب آوریل، تمامیت ارضی، استقلال ملی و حراست ملح و امنیت، بر اساس قرارداد دوستی، حسن همجواری و همکاری منعقد در تاریخ ۵ دسامبر ۱۳۳۸، به اتحاد جماهیر شوروی - سوسیالیستی مراجعه و مصرا نه تقاضای کمک سیاسی، معنوی و اقتصادی نمود. و همچنین کمک نظامی کرد، کمکی که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان قبلا بکرات دربار آن به دولت اتحاد شوروی مراجعه نموده است. دولت اتحاد شوروی درخواست افغانستان را پذیرفت" (اطلاعیه در ۷ دیماه صادر شده و در ۱۰ دیماه در روزنامه "مردم" به چاپ رسیده‌است) برخی مواقع لغات چه بی معنایی - گردند! "دفاع از انقلاب، تمامیت ارضی، استقلال ملی و..." و بشاطر آن تجاوز نظامی، آشکارا به یک مستعمره تبدیل شدن! این اقدام تجاوزکارانه دولت شوروی با یتسی که چشم و گوش همه را به ما هیبت واقعی این ابرقدرت امپریالیستی که ما سک - سوسیالیسم به چهره زده‌است، باز کند!

چرا تجاوز نظامی؟

بر همه کس آنکاراست که رژیم حفیظ الهامین، رژیم دست نشانده شوروی بود. این رژیم از پشتیبانی و کمک همه جا نیه دولت شوروی برخوردار بود و ا دیومسکو هر شب در باره اقدامات "دمکراتیک و انقلابی" این رژیم داد سخن میداد. همه میداند (آنها شئی که واقعا به واقعیات معتقدند) که در زمان حکومت چند ماهه حفیظ الهامین مستشاران و نیروهای شوروی در افغان - نستان بودند. ولی چه شد که ناگهان شوروی، حفیظ الهامین را "عامل کمپاریالیسم آمریکا" مینامد؟ چه شد که گویا بر علیه رژیم وی لشکر کشی کرده‌است؟ جداآیا نیروهای انقلابی را آتقدرا بله فرض کرده‌است که فکر میکنند میتوانند با این صحنه سازی ها رژیم حفیظ الهامین و رفیقش، نورمحمد تره‌کی، و صد البته ببرک کارمل فعلی، همگی نوکران و سرسپردگان شوروی بوده و هستند! این رژیمهای فاشیستی و ارتجاعی (که حداقل در مورد حفیظ الهامین دگر - حتی خودشان هم قبول دارند!) از

از ذهن نیروهای انقلابی ایران بزداييد!

تجاوز شوری، بهانه‌ای دردست امپریالیسم آمریکا

شوری امپریالیستی که با ابرقدرت هم‌سلکش آمریکا بر سر کنترل منطقه و جهان رقابت میکند، از مخممه‌هایی که برای رقیبش در اثر مبارزات قهرمانانه خلقهای منطقه و بخصوص انقلاب ایران و بلندشدن مبارزه‌ها امپریالیستی ایجاد شده است، استفاده کرده و موقعیت را برای تحکیم مواضع خود منتمن کرده است. "دفاع" قلابی شوری از انقلاب ایران نه‌ایک موضع انقلابی، بلکه از یک موضع امپریالیستی است، چرا که موقعیت رقیب را بخطر انداخته است و خوددربی کسب موقعیت است! لنین چه خوب گفت: "فرض کنیم یک ژاپنی الحاق فیلیپین از طرف آمریکا را مورد تقبیح قرار میدهد، حال این سؤال پیش می‌آید که خیلی‌ها ممکن است به این موضوع باور نمایند که علت این تقبیح، خصوصاً نسبت به رونوع الحاق طلبی است نه اینکه تمایل شخصی او به الحاق فیلیپین؟ و آیا نباید تصدیق کرد که فقط هنگامی میتوان "مبارزه" آن ژاپنی را علیه الحاق طلبی ما دانست و از نظر سیاسی شرافتمندانه دانست که ما میرده علیه الحاق کره به ژاپن نیز قیام کند و آزادی جدائی کره از ژاپن را نیز طلب نماید؟" (لنین - امپریالیسم به‌بالا ترین مرحله سرمایه‌داری - بخش نهم) ، شوری در پی کسب موقعیت برتر در منطقه است و بخاطر همین از یکسویه افغانستان لشکر میکشد و از سوی دیگر هر حرکتی را که موقعیت رقیب یعنی امپریالیسم آمریکا را تضعیف کند، بظاهر "دفاع" میکند. اتفاقاً امپریالیسم آمریکا هم همین کار را میکند!

امپریالیسم آمریکا برای حفظ موقعیت خود در منطقه و جلوگیری از گسترش نفوذ شوری از یکسویه تقویت موقعیت خود پرداخته، به عربستان مستشاران و نیرو فرستاده، ناوگان‌های دریایی خود را به منطقه گسیل داشته و بر علیه انقلابات شاخ و شانه میکشد، و از سوی دیگر در ظاهر از جنبش مردم افغانستان نیز "دفاع" میکند. نه "دفاع" قلابی شوری از انقلاب ایران، جنبش ما را وابسته به شوری میکند، و نه "دفاع" قلابی امپریالیسم آمریکا از مردم افغانستان، جنبش افغانستان را وابسته به آمریکا. نیروهای انقلابی باید بر مبنای واقعیات عینی موجود از جنبش

همراه ...
برسانند، بقول خودتظارکنندگان: همراه با مبارزه علیه امپریالیسم به پیش برای نابودی فئودالیسم! این بهترین بیان ضرورت پیوندشده مبارزه‌ها امپریالیستی عمومی مردم ما با مبارزه‌ها افغانی، این ستون استوار و هرگونه مبارزه‌ها امپریالیستی پیروزمند و استقلال و آزادی کشور، است.

مداخله این گروه‌های دهقانی و حمایت بجای آنان از استاد افغانی بمعنای آن نیست که دهقانان ما، بویژه لایه فقیر و تحتانی آنها، که مدتهاست در اطراف و اکناف کشور برای آزادی خود مبارزه می‌کنند، با طرح‌های اصلاحگرانه وزارت کشاورزی فعلی سراپا موافقت دارند. آقای افغانی و وزارت کشاورزی

افغانستان و تکامل مبارزه طبقه‌ای در آنجا تحلیل و ارزیابی کنند و فقط به گفته‌ها و اظهارات امپریالیستهای مکار توجه نکنند، بگذریم!

پس از تجاوز و نظمی شوری به افغانستان، امپریالیسم آمریکا موقعیت را برای تجاوزات آشکارتر خود در منطقه تحت لوای "دفاع" از استقلال و تمامیت ارضی" برخی از کشورها آماده دید: "برزیل سکی مشاور کارتر در امور امنیت ملی در رابطه با مداخله نظامی شوری در افغانستان تا یکدیگر در ایالات متحده برای حفظ امنیت پاکستان، در قبایل مداخله شوری در افغانستان، در توسل به نیروی نظامی درنگ نخواهد کرد" (اطلاعات ۱۵ دیماه ۱۳۵۸) امپریالیسم آمریکا خطر گسترش نفوذ شوری را می‌بیند و میخواهد بر آن لگام بزند، ولی منظور اصلی امپریالیسم آمریکا فعلاً سرکوب انقلابات در منطقه و در درجه اول انقلاب ایران است.

آمریکای جنایتکار منتظر بهانه‌ای است تا تجاوز و نظمی به منطقه بکند، و ابرقدرت شوری نیز که خیلی سنگ "دفاع" از انقلاب ایران را به سینه می‌زند، اصلاً در فکر انقلاب ایران نبوده و در پی تحکیم موقعیت خود است، بهترین شرایط را برای این امر به وجود می‌آورد. نیروهای انقلابی ایران باید هوشیارانه وضع را مد نظر داشته باشند و آماجی کامل برای تجاوز امپریالیستی به میهن عزیز را تدارک ببینند و بدانند که در راه مبارزه با امپریالیسم آمریکا، فقط باید به نیروی خود تکیه کنند، و از شوری امپریالیستی اگر شری نبینند خیری نخواهند دید!

۱ - افشاگری‌های دانشجویان و پیا مدهای آن :
در هفته‌های گذشته دانشجویان با اشغال کننده‌ها سوس‌خانه آمریکا با ارائه اسناد انکارناپذیری درباره بقیه در صفحه ۴

تجاوز...
طرف مردم افغانستان با مقاومت جدی روبرو بوده و هستند و بنا بر این وضع متزلزلی داشته‌ودارند. جنبش مردم افغانستان رشد کرده است و منافع امپریالیستی شوری را سخت به خطر افکنده، تمام این تغییر و تبدیلات سریع در دستگاه حاکمه افغانستان بمنظور راه‌یابی برای سرکوب این جنبش است. تجاوز و نظمی به افغانستان از طرف شوری برای برکنار ساختن حفیظ‌الله امین نبود! تجاوز و نظمی برای آن بود که شوری میدیج دولت دست نشاندگان در افغانستان، با همه مستشاران روسی یاری دهنده - اش، قادر نیست که در مقابل نیروهای مخالف تاب بیاورد، و بنا بر این خود مستقیماً سرکوب جنبش را در افغانستان بعهده گرفت. نیروهای انقلابی باید بسیار با بله‌باشند که گول تبلیغات شوری را بخورند و باور کنند که شوری برای "دفاع" از "انقلاب" کذائی آوریل و "تمامیت ارضی و استقلال" افغانستان در آنجا نیرو پیاده کرده است! برعکس تجاوز و نظمی شوری به افغانستان برای تحکیم موقعیت خود در افغانستان و سرکوب جنبش و جناح‌های مترقی آن می‌باشد، تا اگر شد ساشی با جناح‌های ساژشکار و نیروهای وابسته به غرب در افغانستان تحقق ببیدرد. و بنا بر این از آنجا که هدف اصلی این تجاوز بمانند هر تجاوز امپریالیستی، سرکوب جنبش خلقهاست، میبایستی قاطعانه از طرف نیروهای انقلابی ایران محکوم گردد. نیروهای انقلابی ایران نمی‌توانند و نباید در مصائب و جناساتی که بر خلق برادر افغانستان روا میشود مهرسکوت بر لب بزنند. دیسر بازی است که متاسفانه تحت تاثیر تبلیغات مزورانه شوری و حزب توده و همچنین تبلیغات ضد کمونیستی و ضد انقلابی مذهبپون قشری در ایران و ناروشنی‌ها در درون جنبش افغانستان، (یعنی وجود برخی نیروهای وابسته به امپریالیسم در درون جنبش که میکوشند مبارزه مردم افغانستان را به دنباله‌امپریالیسم آمریکا تبدیل کنند)، نیروهای انقلابی ایران ساکت نشسته‌اند. شاید این تجاوز و نظمی آشکار بسیاری از توهمات را

حقیقت

نکا مل...

جاسوسان آمریکا می مانند میسر - انتظا موروغنی و... که به مقامات بسیار حساسی نیز تفوذ کرده بودند، عملا کمک کردند تا مردم آگاه و هوشیار

جوخوار آمریکا نقشه های شیطانی برای انقلاب ایران در سر می پروراند. مردم ایران و همه نیروهای انقلابی باید آگاهی مفاصله با چنین بجای فاسیستی را از طرف آمریکا داشته باشند. مدرساره ۱۰ اشاره کردیم که از ضروریات مبارزه ضد - امپریالیستی پیرو روند اتحاد و تسلیح نوده مردم است. واجب صرو - ریات در ما بیکه احتمال، هرچند ضعیف آن را باید داریم. نحا و زطای از طرف امپریالیسم جوخوار آمریکا می رود، هرچه با زجر خود را سما بیس میگذارد.

با رادیکال تری میگیریم که مساله نجا و زطای را باید در نظر داشت و برای آن آماده شد. باید سربعدست همه حائیس را کوتاه کرد، بوجه کبید که چکوبه امپریالیست های آمریکا بی زجرال های دست پیورده سان دل نسته اند، این ارتش با نر - ماندها ن ناه پیرستان ما در دستین انقلاب هستند که در موقعیت حساس نیس زهر آگین خود را به بدن انقلاب ایران فرو می کنند. باید سربعدست به تسلیح سوده مردم در دو مرتبه میس، سبروهای مژودالی و حوائیس عسایر راخلع سلاح کرد. باید هرگونه بیرونی مرتجع را سربعدار ریس بر کرد!

اوضاع در منطقه بیخاد می - گردد. از یک سو علیا نهای توده ای مردم کشورهای مختلف در حال او جگرگ است و امپریالیسم وحشت از آن دارد که در صورت "ترس" کل منطقه در طوفان انقلاب مرورود، و ارسوی دیگر تحسار و نظامی آشکارا در قدرت امپریالیستی سوری به افغانستان، می تواند سهاهای لازم را به امپریالیسم آمریکا دهد. امپریالیسم آمریکا در درجه اول برای جلوگیری از گسترش انقلاب، و گسترش نفوذ ارت قدرت سوری، در نظر دارد که انقلاب بعضی قلب انقلاب منطقه در لحظه کسوی راه هدف قرار دهد!

همه نیروهای انقلابی و همه حلقهای ایران باید بهوش باشند. امپریالیسم آمریکا میخواهد مردم نهران ایران را "گوسالی" دهد. نگذار آنجا ن "گوسالی" به اسس حبا حواریان لعسی بدیم که سارک تاریخ بدرجند!

مجدد و مسلح، بر دبا آمریکا!

شوند که مبارزه با امپریالیسم آمریکا در هوا صورت نمی پذیرد، بلکه امپریالیسم چنانیتکا را آمریکا برای اجرای طرح ها و نقشه های فدا انقلابی اش دارای جاسوسان و ایادی و پایگاه های اجتماعی در درون این مملکت است و بدون مبارزه برای زدودن و پیا کردن جا مع از این جاسوسان و شبکه های جاسوسی و خیانت، بدون سلب قدرت کامل از پایگاه های اجتماعی امپریالیسم و درهم شکستن کامل دستگا های امپریالیسم زده، هرگز نمیتوان به پیروزی مبارزه ضد - امپریالیستی اطمینان داشت، و دقیقاً ادا مه و تگا مل این خط و سیاست صحیح است که کمک شایان به عمق یابی مبارزه فدا امپریالیستی میکنند. ودقیقا در مقابل این عمیق یابی مبارزه فدا امپریالیستی، در مقابل روشن شدن این موضوع که چگونه در عرض ۱۰ ماه گذشته یک خط سازشکارانه و فدا انقلابی، عملا به یادی و جاسوسان امپریالیسم، نه تنها اجازه رشد و گسترش و خرابکاری داده، بلکه آنها را تظهر کرده و دست اتحاد دیسوی آنها دراز کرده است، از سوی مقامات کامیونی کسانیکه خود پیرو این راه و سیاست بودند، مقاومت سرسختانه صورت پذیرفت و مبارزه ای را باعث گشت.

دانشجویان اشغال کننده سفارت سعی کردند تا با ارائه اسناد مدلل نشان دهند که نهضت آزادی ایران، بمثا به یک جریان فکری در درون جا مع ایران، بمثا به جریان سیاسی که در طول انقلاب شکوهمند ایران یک خط مئی لیبرال - رفرومیستی را به پیش گذارده بود، بگونه در تمام دورانهای تکامل انقلاب در امر مبارزه جدی و بنیان افکن مردم ایران عملا خرابکاری میکرده است و حتی تا زدوبندهای خائنانه با امپریالیسم آمریکا نیز به پیش رفته بود. نکته ای که از اسماگری های دانشجویان مستفاد میشد آن بود که غلبه و قدرت گرفتن این جریان لیبرالی سازشکارانه، به همراه خود سازش با حکومت جلا محمد رضا پهلوی، سازش با امپریالیسم آمریکا و پایگاه های دستگا های دست پیورده آن و اجازه زندگی و از آن بالاتر نفوذیابی جا - سوسان و مرتجعین را تا عالی ترین مقامات مملکتی، نیز می آورد. نکته - ای که از افتخار گریهای دانشجویان مستفاد میشد آن بود که ظهور و قدرت گرفتن جاسوسانی چون امیرانتظام، روغنی و غیره و ذلک اتفاقاً و تصادفاً نبوده، بلکه بطور مشخص ارتباط نا -

گستنی دا ردبا خط مئی سوززوا - لیبرالی در درون جا مع ایران و قدرت گرفتن ضا یندگان این جریان فکری سازشکارانه و خیانت پیشه! و همین جا این نکته را بگوئیم که با همه کمبودهای که افشاگریهای دانشجویان تا کنون داشته است، این عمل دانشجویان، با عاوج گرفتن مجدد جنبش توده ای فدا امپریالیستی که بخاطر سازشکارانه و لغت دادنهای همان سازشکاران و خیانت پیشگان حاکم، کما بیس افت کرده بود، گردید و این خود نشان دهنده اهمیت مبارزه سیاسی بر علیه جریان سوززوا - لیبرالی و همه جریانات سازشکارانه دیگر در درون توده مردم میباشد. نکته ای که نیروهای انقلابی باید بدان توجه نمایند آنستکه چرخه یک مبارزه بر علیه سازشکاری و خیانت - پیشگی عملا در جهت تقویت خط انقلاب بی در درون جا مع میباشد. نیروهای انقلابی باید در این مقطع زمانی کوشش کنند که برای توده مردم توضیح دهند اگرچه ارائه اسناد در روشن ساختن عمل کرد این جریان فکری مهم است و با ید هرچه بیشتر در این جهت کوشید، ولیکن مهم تر از آن شناخت صحیح زحرت این جریان فکری از نقطه نظر سیاسی است. نیروهای انقلابی میبایستی مجدداً برای مردم توضیح دهند که برای شناخت نیروهای سیاسی - اجتماعی مختلف نیایستی حتماً بدنبال اسناد گشت، چیزیکه در بسیاری موارد ناممکن است، بلکه باید به عملگر در راه حل - هائی که این نیروها در عرصه جا مع به پیش میگذارند، استناد کرد و از آنها استنتاج صحیح بعمل آورد.

ودقیقا بخاطر آنکه عملا شرایط رشد و پیاگیری خط انقلابی در درون جا مع پدیدار گشت، بود که تا گسپان نیروهای سازشکارانه به هیاهو "اسلام جرم" بر علیه دانشجویان بلند شدند. نهضت آزادی و سردمداران اش آقاییان با زرگان، پیداله سحابی، و احمد صدر حاج سیدجواد طمی نام بلند پالائی در وصف مبارزات "بی اما نشان" داد سخن دادند و شرم هم نکردند و خود را به آیت اله طالقانی جسا ندند، و بر علیه دانشجویان "اعلام جرم" کردند. همه کله کنده های مملکتی، مهرسکوت بر لب زدند و پیا بردا دانشجویان تا ختشد و یا موضع گیری خود را به اعلام نتیجه "دادگاه صالح" حواله کردند. "سود رای انقلاب" بیانیهای صادر میکنند و طمی آن به دانشجویان همدار میدهد: "نسر هرگونه استنتاج و تفسیر و

سبب سان امپریالیسم

آمریکا...
بی اهمیت می پنداریم (آرادگان - ۱۰ دیماه ۱۳۵۸).
سایروس و س، مانسدر دران سرکرده، همه کشورها را تهدید میکند که اگر به نحریم اقتصادی ایران رای بدهد، امپریالیسم آمریکا حمله مط - می نه ایران را آغاز خواهد کرد و خود چنین صلی رای اهمیت می پند - ریم". امپریالیسم آمریکا طبل جنگ را بصدادرا آورده است!
مدرساره حقیقت داران - یایی احتمالی ارسیا ست امپریالیسم آمریکا گنیم که محامل امپریالیستی برای عقیده اند که در هر صورت، برای حفظ منافع امپریالیسم، میبایستی به ایران "گوسالی" دهند، در عین ای بصورت روند مبارزه جوئی علیه آمریکا و سایر دول امپریالیستی در کشورهای تحت سلطه بالامی گیرد.
روزنا مه آسیا - آفریقا در ۲۳ دسامبر ۱۹۷۹ حیرا زگردهمائی سران سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا میدهد که در آن به این جمع - بندیها رسیدند:
۱ - رژیم خمینی سهرطریقی نابود گردد.
۲ - یک حمله نظامی به ایران صورت گیرد: "آنها یان چکیده بحث ها و گزارشاتی که من مطالعه کرده ام به این نتیجه رسیده ام که تمام کوشش های دیپلماتیک، اقتصادی، مالی... بیپوده و عبث می باشد... در این صورت یک اقدام نظامی به عقیده من ضروری می باشد" (از سخنان کارتر - نقل شده از امت شماره ۲۷، ۵۰ دیماه).
۳ - "۱ - تمام شواهد و اسنادی که در اختیار داریم نشان میدهند که با آغاز عملیات نظامی از طرف ما سربعدی از افسران عالی رتبه دوست سعی خواهند کرد قدرت را در تهران بدست گرفته تا ایجاد حکومت نظامی نظماً دوساره با زگردانند" و "۲ - لازم است که مرمانده کل مشو - لیسانح با یک نارنج مشخص برای حمله به ریاست جمهوری داده، بسراط آنکه عمل ما کاملاً سری باشد، از نظر می هیچگونه اولنیا نومی ضرورت نداشته معط زمان معین باید توسط رئیس جمهور تعیین گردد" (ارهاجا)
سبب سان امپریالیسم

نکامل...

تحلیل اسنادیایدیاریت همه جنبه های اسلامی و دینی صدور رای دادگاه صالح صورت گیرد" و "مسأله دیگری که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد تنفس رسانه های گروهی و مطبوعات و موضع گیریها و اظهار نظرهای افراد و گروههاست که گاهی به یک جریان انحرافی و خلاف مصالح انقلاب کشانیده میشود... مطرح شدن نهضت آزادی ایران در رسانه هسا و مطبوعات و موضع گیریهای گوناگون گروهها در این زمینه دقیقاً یک جریان از همین امر است... سخن از دفاع از شخص یا اشخاص معینی نیست... اما سخن از مخدوش کردن یک گروه است که از دیرباز در خط مبارزه اسلامی بوده اند و هم اکنون نیز افرادی از آنان بار مسئولیتهای اجرائی را بردوش دارند." (با ماد ۹ دیماه ۱۳۵۸). "شورای انقلاب" که در ابتدا میگوید که "استنتاج و تفسیر و تحلیل را با دید پس از رای دادگاه صالحه (حتماً در مورد امیرانتظام) چون هیچ عقل سلیمی نمی پذیرد که دادگاههای در مورد نهضت آزادی رای صادر کنند!؟" صورت پذیرد، یعنی تا آن موقع، یعنی وقت شکوفه کردن گل نی؟! مردم ما با دید این آقایان سازشکار و خیانت پیشه را در راه امور مملکت و تبا شدن انقلاب بدست آنان را تحمل نکنند. ولی "شورای انقلاب" خود دست به "تفسیر و تحلیل و استنتاج" زده است، آخردروغوخویلی هم قرا موشکار است!! ایشان می فرمایند نهضت آزادی "از دیرباز در خط مبارزه اسلامی (بخوانید انقلابی) بوده اند و هم اکنون نیز افرادی از آنان بار مسئولیتهای اجرائی را بردوش دارند" وجه چیزی بیشتر از این انتظار داشتید زمانیکه در میان اعضای معظم "شورای انقلاب" اشخاص با اسم و رسم نهضت آزادی چون بازرگان و سحابی وجود دارند و بقیه شان سبزه زار "دیرباز" هم پیمانان آنها بوده اند، آقایان "شورا" چی میفرمایند "افرادی از آنان بسا مسئولیتهای اجرائی را بر دوش دارند" و اتفاقاً اشکال هم همین جاست، پنجاه فکندن اینگونه افراد، بمثابه نمایندگان فکری و سیاسی جریان بورژوازی لیبرالی سازشکار و

خیانت پیشه برارگانهای حساس بود که انقلاب را به انحراف کنانید! آقایان "شورا" چی بمردم وعده "دادگاه صالحه" میدهند. ماکه اطلاعاتی به تشکیل اینگونه "دادگاهها" نداریم و آنهم بدست شورا چنان! اگر اینها بفکر تشکیل "دادگاه" برای امیرانتظامها و غیره بودند، مرتجعین و ایادی شناخته شده امیربالیسم و ارتجاع چون سرتیپ نادراختی و یاسینی و ملک پورو... را از زندان فراری نمیدادند. این نکته اول. اما مبارزه سیاسی بین نیروهای سیاسی هیچگاه در دادگاهها صورت نپذیرفته است. مبارزه سیاسی برای روشن کردن افکار توده مردم و برای زدودن انحرافات صورت می گیرد، و دادگاه هم هیچ جا جزا معنه نیست و قاضی هم هیچ کس جز مردم نمی باشد. بنا بر این اگر این وعده های "دادگاه صالحه" ناشی از بلاهت نباشد، حتماً از روی عوا مغریبی و برای خلاص کردن گریبان خود از با زخواست مردم میباشد. حجت الاسلام خوشبینی در نطق ۸ دیماه خود در لانه جاسوسی بدرستی اشاره میکند که: "... آیا افشاء جریان انحرافی سیاسی در دادگاهها انقلاب رسیدگی میشود؟... مگر بحث محاکمه اشخاص است که دادستان انقلاب رسیدگی بکنند... اگر ملت دربار یک چیزی قضاوت کرد کدام دادگاه حق دارد برخلاف قضاوت او قضاوت کند... (با ماد ۹ دیماه) خلاصه کنیم، افشاگری دانشجویان اشغال کننده سفارت که عملاً به تعمیق مبارزه کمک کرده است، باعث مغبندی در درون جامعه گردیده است. از یکسو نیروهای انقلاب بی، نیروهای مترقی و فدا مپریا لیست و توده های ستم دیده مردم هستند که فریاد دادا ماه این افشاگریها را سر داده اند، و دوسوی دیگر ایادی و عوام مل امیربالیسم هستند که بزرگترین ضربه را از این مبارزه وادامه و تعمیق آن خورده اند و بهمین دلیل است که امیربالیسم آمریکا مرتباً برای مردم ایران خط و نشان میکشد و نعره سر میدهد که اگر گروگانها را محاکمه کنید، فلان و بیهمان می کنم. در این میان نیروهای سازشکار و خیانت پیشه در ادا مسیاست سنگین "گام به گام" خود بر علیه این افشاگریها و مبارزه سیاسی علم و کتل بلند کرده اند و در مسدود کردن این اقدامات ارزشمند بحال انقلاب هستند و خواسته یاناست. خواسته آب به آسیاب امیربالیسم میریزند. وظیفه نیروهای انقلابی

در این میان آن نیست که نظاره گسار اوضاع باشند و یا با تحلیل های من درآوردی رایج، این افشاگریها را همان سی از مبارزه مثلاً جناح "بعثی" هیات خاکمه یا جناح غیر "بعثی" بدانند. وظیفه نیروهای انقلابی در این مورد آنستکه با استفاده از ماشا گریها اسناد ارائه شده از دانشجویان، دست به استنتاجات و تحلیلهای سیاسی از حرکت نیروهای سیاسی درون جامعه زده و آنها را برای مردم توضیح دهند. کوشش کنند تا مردم بتوانند سیاستها و خطوط انحرافی و لیبرالی را از نقطه نظری سیاسی تشخیص دهند، برای مردم توضیح دهند که اشخاص و افراد و شخصیتها را با دید بر مبنای خط و سیاست آنها شناخت و نه خطها و سیاستها را بر مبنای اشخاص و افراد! باید مردم بدانند که گریبان زرگان ریت (که هنوز هم نرفته)، بمعنای رفتن خط و سیاست با زرگان نیست!

۲ - تظا هراتهای ضد فئودالی :

در هفته های گذشته همراه با تظا هراتهای متعدد در دفاع از دانشجویان اشغال کننده سفارت و افشاگریهایشان، تظا هراتهای ضد فئودالی و پشتیبانی از دهقانان نیز در شهرهای مختلف ایران، از تهران تا شیراز و مشهد صورت گرفت. شعارهای بجاشی چون "زمینهای مزروعی از دست خان و ارباب آزاد با دید گردد!" "فئودالیسم نابود است"، حمایت از فئودال، توطئه آمریکا و "کارگر و کشاورز امید انقلاب است، سرمایه دار و فئودال دشمن انقلاب است" در این تظا هراتها مطرح گشتند. روشن است که این تظا هراتها بعلل مختلفی بر اهافتا دند که مهم ترین آنها همانا تضاد عمیق موجود در روستاهای ایران بین دهقانان و بقایای فئودالیسم و زمینداری بزرگ میباشد. از علل دیگر میتوان شکست سیاستهای ورشکسته دولت موقت در گذشته از کسار این تضاد عمیق، و مطرح ساختن برنامها و مطرح قلبی تقسیم اراضی موات، فشا رخوانین عشا یرو فئودالها بر دهقانان که در طول سال گذشته به مبارزات دهقانی مختلفی در نقاط مختلف مملکت از گنبد تا کردستان تا فارس و خراسان و خوزستان نامن زد. (ما در مقاله جداگانه ای در همین شماره به بررسی بیشتر این موضوع پرداخته ایم.)

اما نکته ای که کاملاً واضح است، آنستکه بلند شدن مبارزه ضد امیربالیستی و حرکت مجدد مردم در مسیری صحیح برای ادامه انقلاب و

اینکه برای مبارزه با امیربالیسم بطور جدی با یستی با یکا ههای داخلی آن را مورد حمله قرار داد، راه را برای این تظا هراتهای ضد فئودالی باز کرد.

مادرسماره های بیستی "حقیقت" کفتم که دهقانان، به مثابه یک نیروی عمده در انقلاب، با یستی بدون مبارزه فدا مپریا لیستی کشیده شوند و راه آن همانا اطمینان یا عمتن آنان در مورد حل انقلابی مسأله اراضی (دهقانی) است. بلند شدن مبارزه فدا مپریا لیستی، تحت ماشا رخود باعث گشت که این امر تکفته شود و مسأله اراضی و مبارزه بسا فئودالیسم بمثابه یکی از پایگاههای اصلی ارتجاع و امیربالیسم بمیان کشیده شود. و با لعکس تکامل و گسترش این مبارزه که نیروی عظیم دهقانان را بمیدان می آورد، کمک موثر و بزرگی برای تضمین پیروزی مبارزه ضد امیربالیستی است. برای پیروزی مبارزه فدا مپریا لیستی میبایستی وسیع ترین توده ها، و در درجه اول زحمتکشان شهروده را بسیج کرد، و برای این منظور باید دشمنان زحمتکشان یعنی سرمایه داران وابسته و زمینداران و ملاکان بزرگ را تحت حمله گرفت. بلند شدن مبارزه دهقانی وضد فئودالی و جوش خوردن آن با مبارزه فدا مپریا لیستی، وجهت گرفتن مبارزه فدا مپریا لیستی برای داغسان کردن پایگاههای امیربالیسم در ایران، جدی ترین و کاری ترین ضربه را بر پیکر امیربالیسم و ارتجاع خواهد زد!

در مقابل بلند شدن این مبارزه، همه فئودالها و مرتجعین، و همه سازشکاران بر خود لرزیدند. خوانین فارس بر علیه دهقانان دست به توطئه زدند و در نیریز دست به قتل و کشتار زدند، "شورای کشتا ورزی تهران" که مجمع فئودالها و زمینداران بزرگ است بر علیه دهقانان اعلامیه صادر کرد، بر عکس نیروهای انقلابی و مترقی قی به دفاع از این مبارزه بلند شدند. سازشکاران و خیانت پیشگان "شورا" چی با زهم در حرف قیافه حق بجانب بخود گرفتند و لی در عمل دست به تخطئه مبارزه زدند. آقایان با هنر در این مورد میگویند: "البته اینکسه می بینید هنوز فرمول دقیق و معینی برای مسأله اراضی کشتا ورزی در سراسر کشور تدوین نشده بخاطر اینست که شرایط کشتا ورزی ما زمینداری در مناطق مختلف متفاوت است... فرص کنید در مورد اراضی که در گنبد هست باقیه در صفحه ۶

بک سندنگان دهنده!

سندزیرسیا ارتکا ندهنده است! سندزیرخبراز کشف یک توطئه کودتا توسط فرماندهان مزدور ارتش بر علیه انقلاب ایران میدهد. ولی مدهش است که مسفولین "شورای انقلاب" ضدانقلابی نیستند که خبرکش فاین توطئه را می دهند، بلکه این توطئه توسط برخی پرسنل انقلابی نیروی هوایی با اطلاع مردم قهرمان ایران می رسد.

توطئه بزرگی بر علیه انقلاب کشف شده است، ولی "شورای انقلاب" مردم را بی اطلاع میگذارد. شاکرنا گهان برکنار می شود تا دهمرجای او را می گیرد، ولی مردم نیاید بدانند چرا. شایع است که عده کثیری (نزدیک به ۴۰۰ - ۳۰۰ نفر) از افسران ارتش بخاطر توطئه کودتاگری برکنار روباز - نشسته شده اند، ولی مردم با یادی اطلاع با شند، بسیا رمدش است که حتی یکی شبکه کودتاگری کشف گردیده و اعضایش دستگیر شده اند، ولی "شورای انقلاب" دم بر نمی آورد!

نیروهای انقلابی بارها و بارها گفته اند که این ارتش ماری است در آستین! زمانی هم که "شورای انقلاب" سعی در تطهیر آن میکند و خیانت هایش را برای مردم برملا نمی سازد (وهیج استظاری هم نیست) و زمانی هم که در ارتش، فرماندهان شاه پرست را به سرکار می آورند و در بی شکار عنان انقلابی هستند، این ماریه زهر آکین ترین و خطرناکترین دشمن انقلاب بدل میگردد!

نیروهای انقلابی بارها و بارها گفته اند که بدون دگرگونی بنیادین در سیستم ارتش، مجازات جانیان ارتش شانشاهی و بنا نهادن یک ارتش انقلابی و مردمی، انقلاب به پیروزی نمی رسد. مردم باید بدانند که در این مرحله حساس انقلاب نه تنها نباید ارتش و بخصوص فرماندهان شاه پرست و آمریکا پرورده آن دل خوش کنند، بلکه باید با دشمنی خطرناک بدان بنگرند. تنها از من پیروزی انقلاب و درهم شکستن هرگونه توطئه ای از جانب ارتش، خلق مسلح میباید. خلق مسلح تنها ارتش انقلابی و واقعی است. به سندن توجه کنید:

کشف توطئه کودتا و ترور امام در ارتش (افشای شماره ۳)

بنا م خدا و بنا م خلقهای تحت ستم جهان الان در همه جا توطئه در دست تحقق است و ریشه های گندیده با هم مجتمع میشوند و شما عزیزان و همه قشرهای ملت با یادی هم بیونید. (امام خمینی)

دراوج مبارزات ضد امپریالیستی خلق قهرمان ایران به رهبری امام خمینی با ردیگر عوامل مزدور و سرسپرده رژیم شاهنشاهی و وابسته به امپریالیسم که در ارتش انقلاب وجود کثیف خود را در خطرناک بودی میدیدند دست به توطئه های گوناگونی میزنند.

یکی از این توطئه های خائنانه که برای انقلاب و رهبری انقلاب توسط فرماندهان مزدوری که منافع خود را در خطرناک بودی میدیدند، طرح ریزی شده بود که در آغاز توطئه کشف و شبکه کثیفشان متلاشی گردید و همه آنها دستگیر شدند. این توطئه گران عبارتند از:

- ۱ - تیمسار خلیان حبیب اله معین زند
- ۲ - تیمسار سرتیپ زمینی احسان اله پزشکی پور
- ۳ - سرهنگ خلیان دهنای
- ۴ - سروان خلیان خسرو موگوشی
- ۵ - سرگرد خلیان قدرت اله شاه کرمی
- ۶ - سروان خلیان پارساراد و مزدورانی که در آیتده اسامی شان

و حالا شما پرسنل مبارز ارتش خود قضاوت کنید که چه دستهای پلیدی بقیه در صحنه ۷

تکا مل و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی مبارزه میکنند، و این نیروها تا زگی ها هم نیست که وارد میگردان شده اند بلکه سالیان درازی است که بخاطر آرمای نهایی والائی که دارند وارد میدان مبارزه گردیده اند.

ثانیاً شما میگوئید "نیازی" به پشتیبانی اینگونه نیروها ندارید. بهتر است بخود غر نشوید. یکم اینکه شما شاید فکر کنید "نیازی" به پشتیبانی ندارید، ولی اگر بدو رو بر خودنگاه کنید در مییابید که این نیروهای انقلابی بودند که ما دقانه از شما دفاع کردند و آنهم بخاطر اینکه حرکت شما را در جهت بسط و تکامل انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم میدانند و این نکته را بصراحت اعلام کرده اند. دوم اینکه شاید فکر کنید "نیازی" به پشتیبانی ندارید، ولی مردم ایران در مبارزه خود بر علیه امپریالیسم آمریکا محتاج و نیازمند همه نیروهای موجود هستند و در درجه اول نیروهای انقلابی. و حرکت نیروهای انقلابی هم دقیقاً از همین زاویه است.

ثالثاً بهتر است بدانید که نیروهای انقلابی از همان ابتدا در مورد خطوط مختلف در درون شما روشن بودند و نه با صرف در دست داشتن سند، بلکه با تحلیل علمی از حرکت و عملکرد نیروهای سیاسی حاکم بردولت سعی کردند به مردم نشان دهند که راهی که آنها میخواهند مردم را بدینا لش بکشاند، بهیچ جا جز شکست انقلاب نمی انجا مدوینا برای اینگونه برجسبها چون "حمله به شخص" نه بر سازمان چریکهای فدائی می چسبند بهیچ نیروی واقعی انقلابی و صدیق، چه مذهبی و چه کمونیست! اگر شما ما دقانه به نوشتجات این نیروها مراجعه کنید درمی یابید که خیلی قبل تر از شما، به وجود یک خط مشی سازشکارانه و خیانت پیشه در راهی گانهای حاکم که انقلاب را بربوطه ناس بودی می کشاند اشاره کرده اند.

و **رابعاً** بهتر است بدانید که برای آنکه خلقهای ایران از این مبارزه حیاتی پیروز مند و سر بر بلند بیرون بیایند، محتاج و نیازمند **وحدت اصولی** همه نیروهای واقعی و صدیق و انقلابی هستند. شما باید تنگ نظری های مذهبی را کنار بگذارید. بدون اتحاد همه نیروهای انقلابی از کمونیست و مذهبی، پیروزی ناممکن است. بدون این اتحاد به دور یک خط مشی انقلابی، دقیقاً از همان چیزی که می ترسید یعنی غلبه خط مشی

تکا مل ... محاسبه می که بعمل آمده شاید با سه هکتار یک خانوادگی و زرتبتوانند زندگی شان را تامین کنند در حالیکه ممکن است در آذربایجان ده هکتار هم برای اداره یک خانوادگی کافی نباشد ... بنا بر این در طریق این مساله هستیم اما اگر چنانچه ملاحظه میشود که هنوز بطور وسیع و گسترده و با یک فرمول هماهنگ و منطقی اعلام نشده بخاطر شرایط مختلف کار بوده است (اطلاعات ۱۵ دیماه). آقای باهنر دروغ میگویند، ۱۱ ماهه است که در گنبد قدر زمین بسط دهقانان بدهید و در آذربایجان چقدر؟ پس چرا این موضوع در سمینار کشتا و رزی در زمان وزارت ایسزدی فتوادل و بدینا مبدینگونه مطرح نشد؟ اصلاً احتیاجی به "زحمت" شبانه روزی نیست. دست خود دهقانان را باز بگذارید و آنها در هر منطقه خود می دانند بهر دهقان چقدر میرسد!

خلاصه کنیم، تظاهراتهای ضد فتوایانی چند هفته گذشته که در منطقه مبارزه بین آنها و آشکار در عرصه روستا در عرض یکسال گذشته بوده است، نیروی وسیع دهقانان را میتوانست بمیدان آورد و با دنیوین و معی به مبارزه جاری در ایران می بخشد؛ و از این رو باید از طرف نیروهای انقلابی به قاطعیت و بسط و گسترش این مبارزه جاری شود!

ضمیمه

در پایان، سخنی داریم با دانشجویان پیرو خط امام. ایشان مخالف خود را با تظاهرات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، که بدان برجسبهای ناروا می چسبون "فرست طلبی" و "حمله به شخص" (اطلاعات ۱۱ دیماه) زده اند، اعلام داشته و در اطلاعیه خود گفته اند که به پشتیبانی اینگونه نیروها "نیازی" ندارند. این برخوردی است که ما **غیر اصولی**!

اولاً دوستان دانشجویان باید بدانند که همه نیروهای انقلابی و منجمله سازمان چریکهای فدائی خلق که تظاهرات نامبرده را سازمان داد، بخاطر تعهد و وظیفه ای که در مقابل خلقهای ایران دارند، و در جهت

لیبرالی و سازشکاران توافق خواهد افتاد. به ۹ ماه گذشته نگاه کنید و ببینید چه جریان مکرری لبه تیز حمله خود را متوجه نیروهای انقلابی از کمونیست و مذهبی کرده بود. هشیار با شید و بخود غر نشوید!

در تکثیر و پخش ما را یاری دهید

حقیقت

بزرگترین رسانه کمونیستی ایران

راجهت پخش و تکثیر

ایمیل: iran@iran.com

گزارشی از مبارزه کارمندان راهنمایی و رانندگی تهران

کارمندان مبارزاداران ت راهنمایی و رانندگی تهران همانند تمامی مردم ایران خواستار ایمن بودن دکوپس از سرنگونی رژیم منفسور پهلوی، تصفیه ای انقلابی در تهریا نی انجام گیردوسران مزدوروسر سبرده این ارگان اجرائی ساس مملکت برکنار شده و به سزای خیانتها و جنایاتشان برسند. لکن میوه چینان انقلاب نه تنها در پی جوا بگوئی به خواستهای بحق مردم نبودند بلکه در هر گوشه ای از مملکت که ملت ستم دیده ما برای احقاق حقوق پایمال شده اش ندا سرداد، با چماق تکفیر و مهر "تصد انقلاب" و سپس گلوله به مقابله شناختند. این با رنیز دست سران مزدور شهرهایی که از جانب هیات هب را بر کارگمارده شده اند و حمایت همه جانبه ایشان برخوردار گردید. آغشته گشت و بار بار در ارتجاعی این خائنین رنگ عوض کرده و با انقلاب اعلام "همبستگی" کردند آشکارا سخت پس از قیام بیستم ماه کارمندان مبارزاداران راهنمایی و رانندگی تهران دست به افشاگری از سوابق ننگین و ما هیت ارتجاعی سرهنگان شهرهایی که "اسلام" آورده و در اسامور به کارگمارده شده بودند میزیندند و خواسته های شان را بارها و بارها با مقامات شورای انقلاب داد ستانی انقلاب "و شهرداری تهران در میان می گذارند. این کارمندان مبارزیدرستی مطرح میکنند که اشخاصی چون سرهنگ ثانی (معاون "تیکت بی" معدوم) که ریاست اداره راهنمایی را برعهده اش گذارند و دو هسم چنین سرهنگ زند که پرونده دزدی ها و جنایاتش در زمان رژیم شاه بر همگان آشکار است و اینک به ریاست اداره شماره گذاری رسیده، ضد انقلابی بوده و به هیچ روی اقیقت و صلاحیت چنین مقامهایی را ندارند. عکس العملی که از جانب مقامات مسئول درایمن رابطه داده می شود همچون هزاران مورد دیگر چیزی جز تحقیر این کارمندان مبارز و "فدا انقلابی" و "خراب کار" جلوه دادن آنها نبوده و نمی باشد. سرهنگان مزدور شهرهایی نیز که چنین حمایت همه جانبه ای را ازجا

نبر رژیم جمهوری اسلامی مشاهده می کنند جری شده و دست به توطئه بر علیه کارمندان مبارز می زنند و سعی در تفاق افکنی میان آنها میکنند. لکن کارمندان به هیچ روموعوب ایشان نشده و با ایجا دشورائی متشکسل از نمایندگان خود تحت نام "شورای اسلامی کارمندان اداره راهنمایی و رانندگی تهران" سرخاسته بر سر خواستهای خویش با فشاری کسبرده و دست از مبارزه نمی کشند. سرهنگ ثانی و سرهنگ زند و دستیارانشان که اوضاع را چنین می بینند در این اواخر دست به حیل تا زهای زده و تحت لوای طرح "تفکیک غیرنظامی ها از نظامیان" مساله اخراج کارمندان عادی (غیرنظامی) را به میان میکشند و حمایت شهرداری تهران را نیز در این رابطه جلب میکنند. بیاد شده این طرح به معنای بیکار شدن ۳۶۰ نفر از کارمندان ادارات راهنمایی و رانندگی تهران بوده و در ضمن به مز دورانی چون سرهنگ ثانی و سرهنگ زند فرصت به کارگماردن نظامیان و اعمال سوابط منحط و بوروکراتیک با هسته های را می دهد تا با خیال راحت بنواست. همچون گذشته به دزدی زرسه خواری و جنایت بپردازند. با بیس کسیده شدن این طرح مزورانه، کارمندان مبارز افشاگری خویش را از این سرهنگان مرتجع سندی کرده و آنها را تهدید میکنند که در صورت ادامه چنین روشی، گذشته ننگین ایشان را همراه با سند و مدرک بر ملا میسازند و در پیشگاه ملت به قضاوت میگذارند.

در روز ۵۸/۹/۶ روسای اداره شماره گذاری، که یکی از ادارات راهنمایی و رانندگی می باشد توسط اطلاعیه ای اعلام در روز تعطیل میکنند که بلافاصله با اعتراض کارمندان مبارز و آگاهان این اداره مواجه میشوند که بیستن در اداره شماره گذاری توظف ای برای بستن نگاهداشتن این اداره و جامة عمل پوشاندن به مقامات مردمی روسای این اداره میباشند. واقیعات این ادعای بحق را ثابت کرد زیرا که پس از دوروز اعلام شده در اداره شماره گذاری بسته ماند و همچنان نیز بسته است. از آن تاریخ کارمندان این اداره که ۶۴ تن می باشد شندهمروزه در جلوی درب اداره جمع شده و همراه با نمایندگان نشان دست به افشاگری از مقاصد روسای شهرهایی میزنند و در ضمن برای طرح خواسته ها

واحقاق حقوقشان که در درجه اول با زدن دوباره اداره می بود با تمام مراجع و ارگانهای مملکتی تا حد مقدور تماس حاصل میکنند. از جانب شهرداری، کمیته مرکزی و دادستانی نمایندگان برای مذاکره ما موری می شوند و قرار بر این بود که نماینده های نیز از جانب سرهنگ ثانی، رئیس اداره راهنمایی و رانندگی در جلسات حاضر شوند زیرا که آقای شهردار شرط با زدن دوباره اداره را توافق سرهنگ ثانی عنوان کرده بود!! لکن در شش جلسه ای که برای رسیدگی به مساله برگزار میشد خبری از سرهنگ ثانی و یا نماینده اش نمی شود و آقای شهردار همچنان بر روی این مساله که شرط جوا بگوئی به خواسته های کارمندان اداره حضور و توافق سرهنگ ثانی مزدور است، با فشاری میکند!! در نتیجه مذاکرات جز تلاف وقت و خستگی چیزی بیار نمی آورند و ما

یندگان کارمندان تلاشان برای متقاعد کردن آقایان طرف مذاکره در جلسات به جایی نمی رسد. در ضمن همزمان با بسته شدن اداره شماره گذاری، سرهنگ زند رئیس این اداره که سوابق دزدیها و خیانتهایش توسط کارمندان مبارز افشا شده بود از کار برکنار شده و سرهنگ کلهر بجای او به ریاست این اداره گمارده میشود. مساله دیگر اینکه علاوه بر تمام می ۳۶۰ کارمندی (غیرنظامی) ادارات راهنمایی و رانندگی که خواستار جلوگیری از اعمال توطئه کارانه روسای شهرهایی در رابطه با بستن اداره شماره گذاری شدند، درجه داران ادارات راهنمایی و رانندگی نیز از خواسته های آنان پشتیبانی کرده و اعتراض خود را نسبت به این عمل از طریق بی سیم مدارها به اطلاع سرهنگ ثانی می رسانند که بلافاصله معاون یک سند... در مدتها بودی انقلاب و انقلابیون ما میباید شوجه کسانی میخواستند تحت عنوان تصفیه راه را برای تجدید سازمان ارتش طاغوتی هموار سازند و راه را برای توطئه گران مزدوری مثل اسامی کشیفیا دشته در بالا آمده سازند. خود قضاوت کنید چه کسانی سدرها اینگونه توطئه ها و توطئه گران هستند. ما پرسنل تحت ستم و مسلمان یا همطرازان این مزدوران؟ خلق قهرمان ایران و پرسنل مبارز ارتش بهتر میدانند که ما از ابتدای انقلاب خونین ۲۲ بهمن خواستار یک دگرگونی بنیادی و یک تصفیه اسلامی و انقلابی در ارتش بوده و هستیم و در این رابطه افراد مزدوری چون سپهبد مهدیون - تیمسار آذربرزین - تیمسار عصر جدید و... را دستگیر و تحویل مقامات دادیم ولی...!! ولی امروز خوب میدانیم که لبه تیغ تصفیه بسوی چه کسانی گرفته شده است. در کنار مزدوران آمریکائی و فرس ماندها وابسته، پرسنل مبارز را هم در یک لیست قرار داده و تصفیه می کنند!!!

لذا ذکر این مساله ضروری است که ما پرسنل مصلحان نیروی هوایی اعماز (درجه دار، همام، فر، افسر جزئی) تصفیه افراد وابسته به امپریالیسم تحت هر مقام و هرنلیس را یک اقدام مردمی و اسلامی میدانیم و چه بسا در راه تحقق این هدف تفتنگ بردوش شهادت را پذیرا شویم. ولی تصفیه پرسنل مبارز ارتش را بدون در نظر گرفتن هیچگونه ضابطه انقلابی و اسلامی توطئه ای میدانیم از جانب امپریالیسم و یادی آن. و با تمام مکانات و نیروی خود در مقابل این توطئه ها ایستادگی خواهیم کرد. در پایان یادآور می شویم که این تصفیه انقلابی میتواند زیر نظر شوراهای واقعی تجلی به حق خواسته های پرسنل مبارز ارتش است انجام گیرد نه بدست مزدورانی که خود باید تصفیه شوند.

"ما خواهان افشای اسامی مزدوران دستگیر شده هستیم"

نا بود با توطئه های امپریالیسم و مزدورانش در دوباره رهبر سازشنا پذیرا نقلاب

پرسنل مسلمان نیروی هوایی ۵۸/۱۰/۲

تکثیر مجدد: انجمن هنرجویان مسلمان هنرستان صنعتی - کرج

فرستادگان دولت به کارخانجات را بشناسید

بعد از قیام بیستم ماه، برخی از کارخانجات و بخصوص آنهایی که سابقه مبارزاتی شدید بر علیه کارفرمایان در باری داشتند، کارفرمایان خود را یا کت بسته تحویل کمیته دادند و یا اینکه شرایط برکناری آنها را فراهم نمودند. البته بگذریم از جمعی که مدتی بیشتر، با تشخیص اوضاع یا روبندید خود را بسته و فرستاده شدند. در رابطه با این کارخانجات دولت موقت "محبت" فرموده و افرادی را بعنوان مدیر به این کارخانجات فرستاد و بعد هم مسئله "ملی" شدن کارخانجات از طرف همین دولت، پیش گذاشته شد. کارگران این کارخانجات ابتدا با خوش بآوری و با امید اینکه این افراد با سابق فرق دارند و اکنون دیگر از طرف دولت "انقلابی" فرستاده شده است با آنان برخورد میکردند، اما بتدریج متوجه میشوند که این افراد دنیزبانانند و همه دولتی که آنها را فرستاده "انقلابی" هستند. با روشن شدن با زبیا و وزدی های

مدیران جدید با دیدگر مبارزه در این کارخانجات اوج میگیرد و با شناخت هر چه بیشتر از این افراد البته شوراهای فرمایشی حامی این افراد این مبارزه را بعد از دیدی پیدا میکنند. یک نمونه از این مبارزات در کارخانه سه حیت ممتاز در حریان است که در اینجا بطور خلاصه گزارش میکنیم.

کارخانه حیت ممتاز زدرجاده ری قرار دارد. تولید عمده آن چیت و کودری است. تولید روزانه آن سه ۸۴۰۰۰ متر میرسد (در اوایل خرد وریه سابق کارفرمای سابق که وکیل مجلس نیز بود - تولید روزانه ۲۵۰۰۰ متر بود). این کارخانه حدود ۲۵۰۰ متر بود. کارگردان در ۳ شیفت ۸ ساعته مشغول بکار هستند. در قسمت بافندگی احتر بصورت کارمزدی پرداخت میگردد، با این ترتیب که با زای هر متر ۹۰ ریال پول میگیرند و از آنجا شیکه سرپرستها و مکار شیکه از این تولید پورسانت میگیرند بنا بر این فضا ریشتری از طرف اینها به کارگر وارد میشود تا تولید را لارود.

از نظر بهداشتی کارگران در وضع خیلی بدی هستند. هوای داخل سالن ۸۰٪ رطوبت دارد و پیرا زگرد و غبار ریزنده میباشد. سروصدای کرکننده ماشینها با عت سنگینی گوش کارگران با سابقه شده است. در روزیک شیشه شیر کوچک برای جلوگیری از مرض سل به کارگران میدهند. بیماری اکثر از (یک نوع بیماری ستون مهرهها) فراوان است و تمام کارگران رنگ بریده دارند زیرا نور آفتاب وارد کارخانه نمیشود. سالن غذاخوری در این کارخانه وجود ندارد و کارگران در رختکن یک ربع از وقتشان را به خوردن غذا میگذرانند. بتازگی دارند ۱۱ نمره حمام برای بیست و دو هزار کارگر میسازند. تعداد سرویسها کم است و اکثر کارگران برای رسیدن به ایستگاه سرویسها مسافت زیادی را باید پیمایند تا کسی میآیند و متحمل مخارج اضافی میگردد.

سابقه مبارزاتی کارگران به ۳ سال پیش بر میگردد. در سال ۵۵ اعتصاب سراسری چیت سازی بود که توسط زاندارمری و شهربانی سرکوب شد و طی آن عدهای کشته و تعدادی نیز دستگیر شدند. در این کارخانه سابقا سندیکا ی زرد وجود داشت که بعد از فساد آن طرف کمیته آتدند و سر تور اصرار ورزیدند، در نتیجه سندیکا لغو و شوراهای تشکیل شد. این شورا

نیز مانند همان سندیکا فرمایشی است. از ۲۲ نفر عضو شورا ۳ کارگر و بقیه سرپرست و مکار شیک هستند. در رأس شورا فردی بنا م احمدی (نما - بنده مزدور در رژیم سابق) قرار دارد. تمام شورا زیر نظر مقدم کارفرمای جدید که مستقیما از طرف داربوش فروهر انتصاب شده - کار میکنند.

مقدم فرنگلاس و حقه بازی است. دائما از دین و اسلام صحبت میکنند و همواره خود را بستیبان مستضعفین و در هم کوبنده مفسدین معرفی میکنند. گاه بگاه به قسمتها میآید و با کارگران خوش ویش میگرد و سخنرانیها را برای کارگران میگذارد و قبول و قرارها میبندد... اما مدتی نگذشت که دستش رو شد. کارگران بنا بحال مبارزات متعددا مبارکند و در مقابل این فرد و شورا داشته اند که از آنها میتوان اعتراض به شکار و اعتراض کارگران جدید به پرداخت نکردن حقوقشان را نام برد. در تمام این مبارزات سرپرستها و عوامل کارفرما و شورا نقش کارشکنانه ای داشته اند. مقدم و شورا همیشه سعی داشتند که از کردهای کارگران جلوگیری کنند و تا حدودی هم موفق بوده اند تا اینکه اخیرا در یک گروهی که کارگران در آن شرکت داشتند و فشاگری هائی که از مقدم و وزدیها پیش شد کارگران بیش از پیش به ما هیت این فرد کتیف پی بردند

روز دوشنبه ۵۸/۹/۱۹ ساعت ۲ بعد از ظهر، جلسه افتتاحی سالن سخنرانی کارگران برگزار شد. افراد شورا سعی داشتند جلسه را با خواندن چند آیه از قرآن و قدردانی از افرادی که در ساختن سالن زحمت کشیده اند و همچنین با صحبت کوتاهی از طرف نماینده شورا های کارگری ملی تکنیک (خالقی) و توضیح با ملاحظ عملکرد شورا جلسه را ختم کنند. قبل از جلسه عدهای از کارگران خواستار این بودند که در این جلسه نارضایتی های خود را مطرح کنند. عناصری از شورا به بیها نه اینکه این جلسه افتتاحی است جلوی این خواست ایستادند. جلسه شروع شد و بعد از گذشتن ۲ ساعت و جرت و پیرت گفتن، کارگران اعتراض کردند که چرا به آنها اجازه صحبت نمی دهند و جلسه شلوغ شد. اکثریت کارگران و هر کدا مبارک خود را راضیها را اعلام میکردند. همچنین خایه مالها و عناصر کارفرما سعی میکردند جلسه را مخدوش کنند تا اعتراض کارگران حالت خرابکاری در جلسه را بخسود بگیرد. در این زمان مقدم از نه سال

کراری ...
بیشین نیک بی معدوم (ثانی) دستور جمع کردن تمام سیم های مدار با ز را می دهد!

در روز ۵۸/۹/۱۹، شورای اسلامی کارمندان راهنما می و راهنما کی تهران "دوا طلایه یکی خطاب به ملت ایران و دیگری خطاب به شهردار تهران صادر میکنند و در آنها همراه با طرح خواسته هایمان، به شهردار اخطار میکنند که به توطئه بر علیه کارمندان خاتمه داده و در ضمن از رودر رو قرار دادن پاسداران با کارمندان دست بزدان را زحود یک هفته قبل از این تاریخ کمیته های مختلف روزانه تعدادی با ساد را به جلوی اداره شماره گذاری فرستاده میشدند و کارمندان را در نزد پاسداران "خوابکار" و "شد انقلابی" معرفی کرده بودند.

صبح روز ۵۸/۹/۲۱، طبق معمول حوالی ساعت ۸ صبح تعدادی با ساد در جلوی اداره، محلی که کارمندان تجمع کرده بودند مستقر می شدند. حوالی ساعت ۹/۱۵ دقیقه که تخمی بنا م سرهنگ ایروانی گویا از جانب سرهنگ ثانی برای مذاکره با کارمندان به جلوی اداره میآید، دو ماشین بنز نیز در جلوی اداره توقف میکنند که سر نشینان آنها اسلحه و بی سیم همراه داشتند. از درون یکی از ماشینها (بنز سفید رنگ) ۲ نفر سر بیاده شده سعی در دستگیری یکی از نمایندگان کارمندان میکنند که سرانجام او را بی زور داخل ماشین میبرند. در این هنگام کارمندان متوجه مرشد و بیاری نماینده خود می شتابند که او را از دست این اشخاص خلاص کنند، ناگهان جوانی با کت و شلوار مشکی که بی سیم و کلت همراه داشت از درون ماشین بنز به سوی کارمندان شلیک میکنند که در نتیجه یکی از کارمندان جا بجا تهید شده و یک کارمند دیگر زخمی میشود. کارمندان موفق به دستگیری یکی از سر نشینان ماشین بنز سفید رنگ می شوند و شما ره ما بین بنز را نیز بر می دارند، لکن بقیه این مزدوران موفق به فرار میشوند. کارمندان شهید علی اکبر رضائی نام دارد که دارای همسر و دو فرزند میباشد و حقوق ماهیانه ۲۵۰۰ تومان بود و کارمند زخمی رحیمی

است.
این توطئه ناجوانمردانه بدون شک از جانب مزدورانی چون سرهنگ ثانی و سرهنگ زند مطرح ریزی شده بود و شهردار نیز از مسئولین این واقعه میباشد. گرچه یکی از اعضای پلیس این جنایت دستگیر شده و به کمیته مرکز برده میشود لکن بدون به محاکمه کشیدن طرا جان این واقعه که کار مزدور شهربانی میباشد نمی توان از وقوع مجدد چنین جنایاتی جلوگیری بعمل آورد. کارمندان مبارزادارات راهنما می و راهنما کی خواهان محاکمه این مزدوران و همچنین شهردار تهران که حامی ایشان است، می باشند.

تذکر: (۱) در روز واقعه ۵۸/۹/۲۱ ظاهرا آتدین ایروانی با واقعه بعدی (یعنی تیراندازی و...) ارتباطی نداشته زیرا این شخص دقیقا چند قبل از ماجرا جدا گانه به محل می آید (۲) صبح روز ۵۸/۹/۲۲ (روز بعد از واقعه) اطلاعیه ای از جانب شهربانی از "مدای جمهوری اسلامی" قرائت میشود که در آن وقیحا نه کارمندان مبارز را متهم میکنند که گویا "عوامل مدمانقلاب" به درون موقوفشان رسوخ کرده و باعث واقعه روز قبیل شده بودند و به آنها هندا میدهد که "عوامل فدا انقلاب" را از موقوفشان طرد کرده تا واقعی از این قبیل تکرار نشوند

آقای قطب زاده وزیر امور خارجه ایران هستند یا مشاور سیاسی ایالات متحده؟

سنگاه ... این با بد مزدور خود را مسلح میسازد. و در عین بیس بردمان زده سیاسی بر علیه رویزیونیسم خروسیفی - برزنی ایس عده، بر علیه یوطنه های ایس با بد مزدور نرسدیدا خود را آماده سازد.

سفل فولپهائی از منن گزارین جا سوس حزب نوده به مسئولین: " (....) سبار فعال سوده و السه اسطار مبرود که بعدها من را از طریق دوسان بیسکا می کشد دن دبیرستان داسه ام که آنها هم با چه های بیسکا مدبیرستان (.....) در ارتباط سوده اسد ساسدوالسنه باز با سدمتطر سوده، من که تا کنون خود را تا حدی بدون سبگیری سسان داده ام و گفته ام که فیلا با سده های بیسکا مکار میگردم ولی حالا ایراد هائی برایم بیس آمده که در حال مطالعه هستم."

... حدس ارجه ها واقعا چیزی ارمار کسب سمد اسد و ایس خود کمکی اس که با کاسدن بحسب پیرامون کتاب به سایل روز و معایه آنها با رویسکا مل اجماعی و... به این وسیله حد اقل متواپیم ساسد حرب را بمانا به... به سبب سراسیم والسنه سا کمال احیاط."

آنچه که با بید همواره مدنظر انقلابیون و تشکیلاتیهای انقلابی قرار گیرد اینست که با دزهرتان برای مقابله با این دسایس و شوطنشه های امیریا لیستی و ارتجاعی چه میسازد. البته بطور کلی ارتفود جا سوسان بدرون یک تشکیلات - هر چند هم که ضوابط محکمی داشته باشد - بطور مطلق نمیتوان جلوگیری نمود. ولی با گفته نمائنده که میسوان و باید ساسا حدمکن از آن جلوگیری کرد. این حد ممکن نیز تنها با ایجاد یک حصار ضد رویزیونیستی قاطع، روشن و آگاهانه میتوان حصول گردیده و هر قدر از بنیاد ایدئولوژیکی محکمتری بسازد خود را برین بنیادین "حدمکن" گسترش میسازد. این گام اصلی در مسار ره و مصون نگا هداشتن یک تشکیلات انقلابی ارتفود و برور رویزیونیسم و جا سوسان ارتجاع و سدا انقلاب میسازد. سار ضوابط تشکیلاتی تنها متسوانند

خارجی از همه جایی حیر جمع می سوند ملت ایران دادخواستی سبیه میکن (حتما به دادستانی قطب زاده) "اتنها ما تی" به آمریکا و اردمی آورنیم (هنوز آمریکا مجرم سنا خسته سنده!!؟) و پس این لیبرالهای خارجی پس از شور و مشورت رأی میدهند که آیا ملت ایران حق دارد یا نه؟ جدا و فاحت هم حدی دارد! عده ای لیبرال خارجی باید برای ما تصمیم بگیرند که آیا ما حق مبارزه با آمریکا را داریم یا نه؟ آیا ما حق مبارزه با مجده رفای آمریکائی و دارو سته جلادش را داریم یا نه؟ جدا و فاحت بسیار زیاد دی لازم دارتا این تحفه سنگین را به مردم ایران عرصه کنند! آیا شما از خون ۷۰ هزار شهید خجالت نمی کشید؟ آیا اینهمه جنایات آمریکا در ایران و در اقصی نقاط جهان کافی نیست تا شما دست از آمریکا دوستی خود بردارید؟

جناب قطب زاده و هم پیما ننان "شورا" چی اتن اگر ما یلند میتوان سند عقل خود را بدست عده ای لیبرال خارجی بسیار رندوا جا زده دهند تا آنها برایشان تصمیم بگیرند. ولی مردم قهرمان ایران مدتها س که با یوسن و کوش خود جنایات آمریکا و دست ساندگانیش را حس کرده و تصمیم خود را گرفته است:

نه ازت، نه سلیم، نه برد با آمریکا!



فرستادگان ... بخلوآ مدتا بخيال خودش به جریسان خانه دهد. مقدم شروع به صحبت کرد و عسبر غما عترافش کارگران و قطع شدن محنتها بش بد حرف زدن ادا مده داد. او سعی میکرد از احساسات مذهبی کنار بکشد و استفا ده کند و با صحبت از خمینی و انقلاب و اینکه منتخب امام است چهره دیگری از خودش ندهد. در اینجایی ارکارمندان در حالیکه غلامیه ای در دست داشت و روی آن یک سندفروش با رچه نوسط کارخانه بود بطرف تریبون رفت. مقدم سعی بسیار کرد تا توجه کارگران را از منشا اعلامه و سندنحرف کند اما یکی از کارگران اعلامیه را از دست او گرفت و مطالبی را که حاکی از حنقه دزدی و غیره بود برای کارگران خواند و بدینال آن محنتهای کارگران بود که سار مقدم و شورا می گسب. یک فقره دزدی که اسناد تمام بینه در صفحه ۱۱

اعلام داد سندنده ساسا ستان پرتساب کردن موضوع به خارج از مملکت و یک دادگاه بین المللی و کندن سسال بینه بوده ولی آمریکا "دریک استنباه بر مبرود" و چراغ زدهای جناب قطب زاده و هم پیما ننان را ندیدند؟! پس با براین آقای قطب زاده مجبور میسوند "صریح" تر صحبت کنند... امدا ما تی که بنظر من آمریکا میتواند با ما تی توانست برای حل بحران کند این بود که اول با برداشتن اقدام های یونری ننان می داد که خواهان حل موضوع اسد (کدام موضوع؟)، مثلا ما مدهما تی برداشتم و از خود نرس ها تی ننان دادیم... آمریکا می - بایستی سعی میکرد که بنحوی در حل این بحران تسریع میگردید... بعله هر چه در محدوده ای که جناب قطب زاده قرار گرفته بود انجام داد و بیه "ترمس" و با لاس هم متوسل تدولی آمریکای "سرحت" جوابی بیدایشان نداد! و اگر میداد مسا له خیلی سریع حل میسد چون همه چیز ساسی از یک "سوء تفاهم" و یک "انها م" و "عدم اعتماد" کادب مردم ایران نسبت به امیریا لیسم آمریکا سب: "... در اینجا من گفتنکه سایل کلی مربوط به آنها ما تی است که برآ آمریکا وارد آمده است، و کلا مربوط به عدم اعتماد مردم به آمریکا اس و با داد و رسد که اگر آمریکا بیست قدم میتد و این اسها ما تی روشن میگردید کمی میتد به حل بحران"

بعله! اطله همه این مبارزه ها س بوده و بر سر یک رسته "اتنها ما تی" اساس که روشن سندنسان هم بسیار ساد بده بوده و فقط کافی بود آمریکا بیست قدم میشد، و سندناب قطب زاده "عدم اعتماد مردم" نسبت به آمریکا را نیز زائل میساخت!! راستی س ما هم این سؤال برایتان پیش نیامده که جناب قطب زاده وزیر امور خارجه ایران اس یا مشاور سیاسی ایالات متحده؟ و بالاخره آقای قطب زاده

نظرات بی بدیل خود را با توهین به مردم ایران و انقلاب و مبارزه بر سر شکوهسان بهایان می رساند: "... دادگاه هایک هیات بزرگ است که می سنیند و دادخواست ایران و اتنها ما تی وارده به آمریکا را مورد بررسی قرار میدهند و آنها نظر خود را اعلام میدارند..."

و اما آیا این آما یان "شورا" حی حراب می کنند این چنین توهینتی بملت ایران بکنند؟ یک عده لیبرال

کورت والدها یم روز سه شنبه ۱۱ دیماه به ایران آمد و گویا هیچ کس هم از او عبور نکرده است!؟ و البته آقای قطب زاده تا کید کرده اسد که "با صراحت می گویم که منالذکرات با ایسان مطرح نیست" ولی عدالینه اسان محسنا تی هم دارند: "... گذشته از آن در این او حرایتان فعال سوند که تسلیم آمریکا برای تحریسم اسما دی ایران سندنند" و میسوان "مذاکرانی" هم کرد: "ما در جریسان مسافرت ایسان نظریات خود را در مورد ردا آمریکا و بطور کلی وضعی که آمریکا در اسان داشته است و علل عدم شرکت خود را در جلسات شورای امنیت ساسا ایسان در میان خواهیم گذاشت" (همه نقل قولها از قطب زاده - با مداد ۱۰ دیماه) ما نا حالا فکر میگردیم که جناب قطب زاده "تلفنی" دلایل عدم شرکت را به اطلاع کورت والدها یم رساده بود س، و یک نکته اطلاعاتی هم به جناب قطب زاده بر ساسدیم و آن اینکه اگر کورت والدها یم رتبا "وضع آمریکا در ایران" را بهتر نداند، بدتر نمی داند!!

ولی همه این سم و آبه ها که والدها یم سر خود به ایران می آید و هیچگونه "مذاکره" و ساخت و یا خسی هم قرار نیست بشود با یک جمله کوچک والدها یم نقش بر آب میسود: "کورت والدها یم دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد چنانچه اطمینان یابد میتواند با مقامات ایران گفتگو کند و ما سوس رینس مقصد ساند آماده اسن به ایران سحر کنند" (با زهمها مده ده دیماه) خواننده خود فضا وت کند که آیا قطب زاده هنور دروغ گو هست یا نه!؟

اما جناب قطب زاده در مصاحبه مطبوعاتی تان که در همان شماره روزنامه ما مدها در درج شده دیگر سسک س ما م گذاشته اند. دقت کنید که چگونه راه حل جلوی پای امیریا لیسم می گذارد: "... آمریکا با بدستی کند که حقایق ما را بپذیرد. ما نا کنون و کنس های خوبی ننان دادیم از قبیل ملاقات با کروگانها وسیعی کردیم ما که کروگانها را بیک دادگاه بیسن - المللی ارجاع دهیم اما در طول این مدت آمریکا در اشتباه به سر میبرد..."

بعله! جناب قطب زاده "مراجعتا" در پرتو چنین حصار ایدئولوژیکی قاطعی موراقتد.



فغانستان و بندبازان ...
فغانستان " بیجانجا مد، به مشی فد
نقلابی که به جانان امریالیست
پا میدادند بدل شد، آنهم در عرض فقط
۸۰ روز؟! جدا که تفاقات عجیبی
در این دنیا می افتد!
و با اخره:
* " دزهای استبداد و سلسله
خوستان امین و طرفداران او، اسن
بگهای یاسان سرداران بادشاه
وظا هرنا هودا و دسا هومزدوران امیر-
بالسم جهانی سرگردگی امیر-
لیم آمریکا، ویران شده اند. " (از
بیم سرک کارمل، مترجم در "مردم"
شماره ۱۳۱، ۷ دیماه ۱۳۵۸) اولاً
بیرک خان دروغ میگوید، نه این
که رژیم امین، دژ استبداد نبود، نه
اینکه رژیم امین سگ پاسان
منافع امیربالیست نبود، خیر اینها
درست است، فقط کدام
امیربالیست؟ چنانکه

شواهد نشان میدهد امیربالیست
شوروی، بیرک خان،
برای یزگم کردن
این حرفهای بروت و پلا میزند و حزب
نوده هم نشخوار میکنند.
بنا بر این ما بر طبق همان
"ره نمود" معروف حزب توده در سال-
گرد ۱۵ خرداد که گفت " اسناد سخن
میگویند " اسناد را پیش کشیدیم بنا
سخن بگویند و برده از بندبازان حزب-
فدای توده ای بردارند. در تمام
این اسناد یک رشته سیاه و سنگین
حرکت حزب توده را معین کرده است،
نوکر ای بر قدرت شوروی، همین
نوکر، اینان را به بندباز زبهاو
عملیات محیر العقول و ادا شسته
است، ولی کویا این آخری دیگر
خیلی مشکل بوده است و حزب توده
را کمی به سرکبجا انداخت، و باعث
گشت که در روز ۸ دیماه، اسنان در روز-
نامه "مردم" در ۳ خط نوشتند که
" امین " رفت و "بیرکی" آمد!!"
تاریخ بندبازان ما هری
را بخود دیده است، که با همه مهارت
به مرگ محتوم سقوط کرده اند، آن
روز برای بندبازان حرفه ای حزب
توده دیر نیست!

- بنگاه ...
- زمانیکه نام عده ای از اعضاء
حزب توده بعنوان ساواکی در
نشریات منتشر میشود آقا یان کمیته
مرکزی قلمها را بکازمی اندازند و
میگویند که اینها اصلاً برای جاسوسی
و خبرگیری از سوی حزب توده وارد
ساواک شده بودند!
- حالا چه خواهد گفت؟ اصلاً چه
جوابی میتوان داد شته باشد وقتیکه
یک عضو حزب توده در یک تشکیلات
دا نشجوی متعلق به دا نشجویان
پیشگام و وابسته چریکهای فدائشی
خلق که حزب توده بسیار میگوید آن را
بسی خود جلب نموده و همواره اینان
را بعنوان متحدین بالقوه خود معرفی
میکند، برای حزب با اصطلاح طبقه کارگر
جاسوسی میکرد است؟
- دا نشجویان پیشگام طی یک
جزوه ای اسنادی از جاسوسی یک عضو
حزب توده را بر ملا خفته اند. در این
جزوه که بصراحت تمام معلوم شده فرد
مزبور در ارتباط مستقیم با مسئولین
حزبی بوده و حتی در گزارش او انتقاد
هایی نیز به نحوه فعالیت دا نشجویان
"دموکرات" وابسته به حزب توده
نموده است، در درون سازمان
دا نشجویان پیشگام چند وظیفه را به
عهده داشته است:
- ۱ - متعرف کردن این

در حاشیه ...

"س- هزینه این گردنهای را کدا دستگا به عهده گرفته است.
تورای انقلاب کی از دعوت شما با خیر شده، آیا با خبر است؟ و موافقت کرده
و یا همکاری داشته؟

ج - هرکاری که میکنیم ما متائید و ما کاری نداریم که تورای انقلاب
بخوادتا شید بکنید نه، پشتیان ما ما هستند و هرکاری که انجام میدهم
در ارتباط با ما هست و هر مسئله هزینه هم در ارتباط با ما محل میشود"
(آزادگان ۱۰ دیماه - تاکید از ما است). جالب است که "سورای انقلاب"
حتی هزینه این گردنهای را هم نمی بردارد!! وجه انتظاری می توان داشت
از ارگان سازشکاری که نمی خواهد به انقلاب خلق برادر فلسطین کمک مادی
کند. و از همین رو این سؤال و جواب مطرح میشود:

"س- اگر بعضی از نهضت ها تقاضای کمک تملی از جمله داد و طلب و یا
کمک مالی و یا اسلحه کردند ایران آمادگی پذیرفتن آنها را دارد؟
ج - از آنجا که انقلاب ایران حامی همه مستضعفان جهان است
و ملت ایران با رهبران داد که در هر کجای جهان جنبشی حق طلبانه را ببیند
با جان و دل کمک میکند، احتمال این هست که خود ملت ایران کمک های
مادی و معنوی بکند و تکیه ما روی مردم است. " (همانجا) یعنی اینکده نیز
هم دولت و "تورای انقلاب" اصلاً در فکر کمک به جنبش های آزادی بخش
نیست، و هنوز هم با بدتکیه بروی مردم باشد. از این امر چند نتیجه ای می-
توان گرفت جز اینکه آیا واقعاً ربطی بین خواسته های مردم و حرکت "شورای
انقلاب" و دولت موجود است؟ باری، از "شورای انقلابی" که سیاستش
در عرصه مبارزه فدا میربالیستی در داخل ایران، منحرف کردن و خاموش
کردن آنست، نباید انتظار داشت که به کمک جنبش های آزادی بخش سایر
خلفها بشتابد. انتظاری عب و بسپوده است!

۲ - عدم دعوت نمای جنبشهای آزادی بخش از چه چیزی ناشی می-
شود؟ تبعیض بین سازمانهای انقلابی در کشورهای مختلف از کجا سرچشمه
می گیرد؟ دا نشجویان بیرو خط امام باید تنگ نظریهای مذهبی را کنار گذاشته و
واقعاً بر مبنای معیارهای اصولی، یعنی ماهیت و عملکرد فدا میربالیستی
و انقلابی جنبشها و سازمانهای رهبری کننده آنها، از نیروهای انقلابی
در سرتاسر جهان دعوت بعمل آورند. دوستان و متحدین انقلاب ایران نه بر
مبنای مذهب، بلکه بر مبنای مبارزه فدا میربالیستی و وحدت در ابر-
مبارزه تعیین میگرددند. دا نشجویان با بدیدانند که چه عرصه مادی و چه در
عرصه خارجی هرکس که بخواد وحدت نیروهای واقعاً انقلابی و فدا میربالیستی
را - با هرایدئولوژی و مسلکی که میخواهند داشته باشند - تحت عناوین
مختلف خدشه دار کنند، راه بجایی نتوان سردمغوف مبارزاتی خلقهای
ایران و جهان از هم شکافته خواهد گشت.

در صورت رفع این نقص بزرگ، این گردنهای میتوانند، شناخت
خلقهای ایران را از مبارزات رهائی بخش خلقهای دیگر با لایبرده و در جهت
وحدت ناگسستن و فدا میربالیستی خلقهای ستمدیده کمک کند!

حزب توده کنونی حزب با ندر حاکم ایران، جنبشی است اساساً جوان
برونفها است که رنگ ایرانی بخود و کم تجربه، زحمات بسیاری کشیده شده
زده است. موضع حرکت این حزب نه منافع مردم ایران، نه حتی منافع
فشرک کوچکی از مردم ایران که در جنبش ما سودمندند میباشند، بلکه دستوراتی
است که از مسکود ریافت میکنند و تحت

قبا ی مارکسیسم به جاسوسی، خیانت و
منحرف کردن جنبش مردم ما میپردازد. مسلمانان انقلابی - هر دریا یک
نفوذ جاسوسان حزب توده در یک
تشکیلات دا نشجویی نه اولین و نه
آخرین شگرد جاسوسی این عده میباشند. این با ندر ارتجاعی کمر به فرستادن
نفوذیایی تورج بیگوندی در تشکیلات
چریکهای فدائی خلق در چند سال
پیش و سپس اشعاب از این سازمان
نمونه ای بود از فعالیت این با ندر
جاسوسی.

جنبش انقلابی و کمونیستی

حقیقت

اجرا ف ا ت م ا

نخالت کرده اند و ما در جواب به آنها گفته ایم که این مبارزه، مبارزه ایست اصل و در سطح علمبرگمانس که حدکسانی و در حد جاها می خواهد از آن سو استفاده کنند، با بسازان دفاع کرده، گسترش داده و با طعنه را با لفاظی و ارتجاعی و از گانهایی حکومتی نشان داده و به آن جهت داد. مسئله ایست: شما به بیانه سو استفاده حرمانات "بالائی" از مبارزه این "بانیسیها" دفاع نمیکنید و دفاع از آنرا "روبرسو" کنیم و "سهجانی" میخوانند و ما بر مبارزه این "بانیسیها" تکیه کرده، سازگاری و سو استفاده "بالائیها" را افساء مینماییم. شما مبارزه "بانیسیها" را افشای، سو استفاده "بالائیها" میکنید و ما حرکت خود را با تکیه بر مبارزه این "بانیسیها" استوار مینماییم. اختلاف ما اینجاست و نه آن برداشت های من در آوردی و بی بایدهای که سعی کرده اند از مواضع ما بدگمان و خودتان بدهید.

با مثال دیگری میزنیم. رفقای "سیکار" نوشته اند: "بدن گونه "حقیقت" گراسانب سهجانی خود را به نمایش میگذارد. مسئله جنگ را عمده کرده و بدنی گونه بسا تخفیدار نما مروریونستیهای سهجانی گرا، عمده را درجهان سه انقلاب بلکه جنگ دده، به جای مبارزه لیبانی میباش طبعانی می افتد. "سیکار" زیگزاکهای ضد انقلاب... شماره ۳۶، ص ۱۲). هر چه در مقاله سیکار گشتم نتوانستیم بفهمیم که ما به چه گونه مسئله جنگ را عمده کرده و به سازش طبقاتی افتادیم اسمو این نتجه را "سیکار" از کجا گرفته است؟ به مقالات خودمان رجوع کردیم و با زهر حگشتم نتوانستیم مسئله ای را که اصلا به جریان جنگ و انقلاب مربوط باشیدا کنیم. "سیکار" شنیده است که "سهجانی" ها جنگ را عمده میکنند و انقلاب را نفی مینمایند و در نتیجه از آنجا که فعلا لطف کرده به ما بر حسب "سهجانی" زده است، لازم دیده که ما از آن سو حزم مهم انحراف "سهجانی" ها سی بهره نگذاریم و بیک

با رهی هج محوزویا به و دلپایسی گفته "بدن گونه" اینها مسئله جنگ را عمده کرده اند. آخر رفقا بسا شنیدند که از آنکه این برجسبها را بزنند قدری بیشتر فکر کنید. ما در شما مقابلتانی حتی یکبار هم به مسئله ای که شما بما حساب نداده اند اشاره هم نکرده ایم. این طرز برخورد "سیکار" به مسئله "انحراف" درک "سهجانی" ما نشان دهنده درک سناست محدود و وارونه آنها از این انحراف بوده بسا نکرده آگای آنها به ما هست این انحراف و تسلورات آن میباشد. ما لا اقل هیچ همکسه نکرده ایم میتوانیم دعا کنیم که در این زمینه در مورد موضع گیری درقبال این شعوری ارتجاعی و همچنین توضیح آن برای جنس کمونیستی مان سیر و بوده، نخستین با زمان بودیم که با این انحراف از مدتها پیش مرز بندی کرده در مقابلت و چیزوات مختلف ابعاد آنرا تشریح نموده ایم و حقیقتا امروز جای بسی تاسف است که آنچه را خود توضیح داده ایم، بشکل دست و پا شکسته و مسخ شده ای به خود ما برگردانند. گفتنی نرست که تفاقا کمانی که بیانه خطر جنگ را علم کرده اند، رهبران حین و دنس لدر و نشان در ایران، "با زمان انقلابی" هستند که محض اطلاع رفقا، چون آنها از مبارزه ضد امیرالیستی کنونی دفاع نمیکنند و خواهان خامه آن هستند و ادامه آنرا به سود تشدیدتفادهای جهانی و فرار سیدن جنگ جهانی و نجا و سوری و امثالهم میدانند. آری، آنها نیز این مبارزه را "توطئه" میدانند و مدتهاست که خود را بی سروصدا از پشتیبانی از این مبارزه کناره کشیده در خفا مشغول مذاکره برای آزادی گروگانها هستند. پس می بینید که ما نه تنها "جنگ" را عمده نکرده ایم، بلکه بسا افشاء تهدیدات و خط و نشان کشیدن های آمریکا که مردم را از جنگ می ترساند، ادامه این مبارزه را نشود بقی کرده ایم. کاری که شما نکرده اید. حقیقت ایست که اینجا قافیه "مبارزه" ایدئولوژیک "سیکار" رنگ شده و برای خالی نبودن عریضه، مسئله عمده کردن جنگ را هم همینطوری به ما حساب نداده است. برای روشنتر شدن مسئله کافی است توضیح دهیم که اتفاقا وجه اصلی شعوری "سهجانی" عدم مبارزه با امیرالیسیسم آمریکا می باشد و ما زش هم که از آن صحبت میتو در اناس با این امر

با لبم است و زمانی که رفقا "سیکار" و دیگران از حمایت از این مبارزه ضد آمریکائی سرپا زمینند، بسا بداندند که در عمل علمبرگمانس و ادعایان، حرکتی منطبق با حرکت "سهجانی" انحام داده اند و اگر بتو در این حرمان بدگمانی اتهام "سهجانی" بودن زد، این اتهام به خود رفقا بر میگردد، زیرا نتیجه عمل و موضع گیری است که محک جا بگاہ آنرا تشکیل میدهد.

یک مثال دیگر. "سیکار" از ما نقل کرده است که "خندی است که دولت شوروی انقلاب و سائل نسلیغاتی اش مرتباً تحریه سلی را برخ ملت ما میکنند. اما متاسفانه درسهای نادرست و رهنمودهای سرپا اشتباه آمیزه مردم ما از این تجربه تلخ مدهند. ("حقیقت" ۴۷) سیکار این را گرفته و نتیجه گیری کرده است که ما ما هبت "شورای انقلاب" را شناخته و نااحتی مان از این است که چرا "شورای انقلاب" درس نادرست گرفته است. اول اینکه ما گفته ایم "شورای انقلاب" متاسفانه تبه مردم ما از این تجربه درس های نادرست و سرا با اشتباه آمیز میدهد و نه چیز دیگری و متاسف هم هستیم که فکر مردم ما را با این ابطال پر میکنند. اگر "سیکار" از این عمل و نتایج آن متاسف نیست، آن دیگری ما ربطی ندارد. "شورای انقلاب" در بحبوحه مبارزه ضد امیرالیستی با سو استفاده از تجربه شیایی به مردم ما گفت که "حق اعتماد" ندارد و ما این حرکت او را افساء کرده، از تجربه شیایی درس درستی به مردمان دادیم.

ما زهم مثالی دیگر. "سیکار" (۳۶) با زاز "حقیقت" نقل کرده است که: "حتی اختلاف بین شوروی انقلاب و دولت از یکسو و آیت الله خمینی از سوی دیگر در رابطه با مبارزه با امیرالیسیسم ملاعیان است" ("حقیقت" ۴۷). (تاکید فرستادگان...)

آنها در بایگانی موجود است عبارت بود از اینکه تا جری تقاضای خرید ۳۰۰ هزار متر پارچه گلدار کرده ای و قرارمتری ۱۱۱ ریال میکنند که مقدم تقاضا را به رئیس حسابداری رجوع میدهد ولی رئیس حسابداری بسا آن موافقت نمیکند. چندی بعد همان پارچه را به تا جری که آغنا خودشان بیده از ترار متری ۱۱۱ ریال میفرشند و ما به التفاوت که بیش از ۳۰۰ هزار تومان است را عجیب میزنند. اینست چهره پلید فرستادگان دولت موقت و وضع

از بسا راست) و بعد ما فده کرده اند "از نظر حقیقت آیت الله خمینی، دولت و شورای انقلاب هم با امیرالیسیسم مبارزه میکنند؟" ("سیکار" ۳۶). ملائقی های ما زیر "مبارزه" را خط کشیده اند و بسا ما درس انشاء داده اند که منظور ما در این جمله اینست که "شورای انقلاب" و دولت "نیز مبارزه ضد امیرالیستی میکنند، اما در این مبارزه بسا خمینی اختلاف دارند. س است دیگر.

این دیگر حزکلاشی چه میتوانند باشند؟ شما اگر همه مقاله را خوانده سدید (که خواننده اید) می دیدید که ما به روشنی جایگاه "شورای انقلاب" دولت را روشن کرده ایم و با حروف درشت نوشته ایم که این شورای حتی دنبال استرداد شاه هم نیست چه برسد به مبارزه ضد امیرالیستی، می دیدید که ما در همه جا از "شورای انقلاب" بعنوان جریانی که میخواهد این مبارزه متوقف شود ما مبرده ایم و با زشم تمسکیند که برای گرم کردن بازاریان "مبارزه ایدئولوژیک" همه چیز را تحریف میکنند؟

اساس "مبارزه ایدئولوژیک" رفقای "سیکار" و "نسرده" ما به همه برجسبهای نا شایستی که سنا کرده اند را همین تحریفها و کلک های زورنالیستی تشکیل می دهد و ما نمیتوانیم حزاظهارت اسف کار دیگری بکنیم. تاسف از اینرو که بجای یک مبارزه ایدئولوژیک سالم و حقیقی ما را برای ورود به کار زاری دعوت میکنند که ما بسته جنبش کمونیستی و اصول حاکم بر روابط بین گروه ها و سازمانهای کمونیستی نیست و ما از ورود به چنین کارزار نا شایستی عار داریم. ما در شماره های آینده "حقیقت" بحث پیرامون مواضع و نقطه نظرات رفقای "سیکار" و سایر رفقا را از سرخواهیم گرفت و خواننده خود فضات و کندگه اظهارات هر یک، برجسب اصول و مدارک سی استوار است.

رفت با رکارگان کارخانات "ملی" شده. اگر چه کارگران این کارخانه هنوز تصور که با بدمشکل نیستند سنا از سر مقدم و شورای فرمایشی خلاص شوند، اما با از دست رفتن آن یک ذره توهم و اعتمادی که نسبت به آنها در شان موجود بود همیشه مساعدی برای حرکت آگاهانه و متشکل کارگران بوجود آورده است. ما میدپیروزی!

حقیقت

انحرافات ما

نا میده اند . اینکه حکومتها این رفقا اسن جنبین غیر مسئولانه یا زیر حجب زنی را گرم کرده و هر چه دستشان رسیده نشانار ما کرده اند ، از دو حالت نمی توانند خارج ناسد ، با اسن رفقا معنای اسن القاب را نمیدانند و صرفا فاعنوان حالتی سخت از آنها استفاده میکنند و یا معنی آنها را دانسته ، لکن آدرس را عوضی گرفته اند . بدیده ما با آنها تکیه مبارزه ایستولوزیک کنونی بیس رفته است و در سطح کنونی اش ، هر دوی اسن حالتها صدق میکنند . یعنی هر رفقا معنی اسن برجسبها را بدرستی نمی دانند و هم آدرس را عوضی گرفته اند و با لخره اینکه خود را زیگ جایگاه انحرافی به اسن مسائل برخورد میکنند .

مثلا رفقای " نبرد " برای " اثبات " رویزیونیست بودن ما کوشیده اند ما بچسبا نند که ما قیام مبهمن مساه و وقایع بعد از آنرا ، یک " انقلاب بیروز " میدانیم و در نتیجه به سرگردگی لبقه کارگرم معتقد نیستیم و اس " رویزیونیست " هستیم . می گویند ، " اتحادیه در این شماره (منظور شماره ۴۵ " حقیقت " است) برای اولین بار با صراحت تمام اعلام داشت که آنچرا اسن از قیام مبهمن ۵۷ در ایران رخ داده براسنی بک انقلاب بیروز میخواهند " (" نبرد " شماره ۱) و بعد از اسن حکم من در آوردی ، سر جیبهای " رویزیونیستی " ، منسوب یکی ، " لیبرالی " و امثالهم را نشانار ما مینمایند . " نبرد " برای ضرور اسن احکام به نقل قولی اس " حقیقت " استناد کرده است . نقل قول اسنست : " انقلاب ایران اسن از یک بیزازه ۹ ماهه که از برکت سر سازشکاری محافظ بورژوازی ، جار و جنجال ارتجاعی دسته های معینی از روحانیون مشروعه جی و با دخالت عمال ماسک دار رژیم سابق فرماندهان ارتش حاصل گشته بودا کنون میتواند دوبایدراه و مسیر اصلی تکامل خود را با زیبا بدویا زیبا فته است " (" حقیقت " ۴۵) . رفقای پیکار نیز با استناد به همین نقل قول نتیجه گیری کرده اند که ما " سه جهانی " هستیم . عجب مصیبتی

است . آیا کسی که دارای عقل سلیم با شذوقا رسی نیز پیدا ندویا اصطلاحات سیاسی نیز آشنا باشد ، میتواند اسن اسن نقل قول اسن جنبین برداشت کند که ما انقلاب را یک " انقلاب بیروز " خوانده ایم ؟ ما گفته ایم " انقلاب ایران " ، اس از ۹ ماهه بیپرا هدر رفتن اکتون " مسولاندو با یدراه و مسیر اصولی تکامل خود را با زیبا بدویا زیبا فته است . " آیا معنی اسن حرفا بنسنت که انقلاب ما بیروز شده است ؟ آیا معنی اسن حرفا اسنست که ما سر کرده گی لبقه کارگر و ضرورت رهبری او در سر روزی انقلاب را نفی کرده ایم . آیا معنی اسن حرفا بنسنت " نبرد " اسنست که ما حون رویزیونیستها از حاحمه مان درکی " تمام خلقی " داریم و به نفع منافع آنتی یا پذیر هلیقات متخام مومون نیستیم ؟ بگذاریم مالی بیژنیم . اسن در همه حال از انقلاب ۱۹۰۵ روسه بعنوان سگ انقلاب با دگر ده است و در نما منوشته حاشی به همین عنوان از آن نسام برده و حتی در حعبندی از آن نیز نام مقاله اسن " جمع بندی از انقلاب ۱۹۰۵ روسه " است . آیا اسن فاده از لغت انقلاب بمعنی بیروز بودن آست ؟ آنچه در میهن ما از قیام از سرنگونی دربار ، یعنی از زمان با لخر رفتن بحران انقلابی تا به امروز حوران داشته و دارد ، یک انقلاب است . صحبت بر سر بیروز بودن آن نیست ، صحبت بر سر وجود آن است . اسن آن چیزی است که شما قبول ندارید . ما چه قیام و چه سعادت ز قیام مبهمن صراحتا از بیایهای خود را از نا کام ماندن اسن انقلاب ونقش نیروهای مختلف لبقاتی در اسن نا کامی و سازش بورژوازی ملی و خرده بورژوازی سنتی با بقا بسای ارتجاعی و امبریا لیسیم به دفعات گفته ایم و چگونه خارج شدن انقلاب از اسن سن بست ونقش لبقه کارگر را مرتباً توضیح داده ایم و به مواضع خود پای بند هستیم و وقتی هم از " انقلاب ایران " با دمیکنیم دقیقاً منظور ما اسن چیزی است که در حاحمه ما حریان داشته و دارد . اسنکه امروز طبقه کارگر شکل خود را نداشته ، اسن انقلاب را رهبری نمی نماید ، دلیل آن نمیشود که ما آنچه حریان داشته و دارد را انقلاب ندانیم . در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه نیز لبقه کارگر نتوانست انقلاب را رهبری کند و نتیجه انقلاب به شکست انجامید . انقلاب ما نیز نا تمام

ونا کام مانده است ، اما هنوز نه تمام شده و نه کلاً به شکست انجامیده است و بلکه با افت و خیز کمکان ادا مسه دارد و میتواند دوبادا مهابسد . اسنکه اسن انقلاب تمام نشده است ، دقیقاً اسن خاطر اسنست که انقلاب ما نتوانسته به وظایف اساسی اسن سرگوییدها ینکه اسن انقلاب شکست نخورده است ، دقیقاً به اسن خاطر اسنست که مصالح بحران انقلابی گذشته وحدت تضادها کمکان موجود بوده ، نیروهای شرکت کنندنده در انقلاب و سوبژه کارگران و دهقانان کمکان بر علیه تضادها اساسی حاحمه در مبارزه اند و انقلاب ما یک افت استراتژیک نخورده است . فرقی میان یک انقلاب شکست خورده و انقلاب نا تمام دقیقاً در همین حاحست در روسیه پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵ ما شاهد یک افت استراتژیک در مبارزه بوده و از زمان رفتن بحران و حوا انقلابی و سلطه مجدد تزاریسیم و تسبیح وضع به نفع آنها هستیم . اسن حاحست که یک انقلاب شکست خورده ، ۱۲ سال برای بلند شدن مجددش وقت میبرد . اما آنچه در میهن ما رخ داده است ، با اسن شرایط بکلی متفاوت می باشد . انقلاب ما بیروز نشده است ، اما شکست نیز نخورده و کمکان سعنوان بک انقلاب (و نه آنطوریکه شما بکار میبرید " مبارزه ") ادا مسه دارد و دقیقاً به همین خاطر مصالح ما اسن رهبری طبقه کارگر بر اسن انقلاب کمکان موجود مسبا تدو تضادها بش نیز کمکان اساسا همان تضادهای گذشته است .

اسنکه شما آنچه در میهن ما میگذرد را یک انقلاب نمیدانید ، از دو حالت نمیتوانند خارج باشد ، یا انقلاب را شکست خورده بدانند و یا تضادهای حاحمه را تغییر یافته و در نتیجه انقلاب را بیروز شده میدانند و در تدارک بک انقلاب دیگر برای مرحله ای نوین مسباشد . هر چه هست خوست نظراتتان را به صراحت بگوئید و دلایل آنها را نیز توضیح دهید .

اسنکه رفقای " نبرد " و " پیکار " از یک نقل قول و آنهم تحریف آن و اضافه کردن درکهای من در آوردی به آن " مبارزه " آیدئولوژیک خاص خود را بر اه انداخته اند ، نمیتواند موجب تاسف مسباشد ، زیرا از همین حوالا بروشنی مبینیم که چنانچه اسن روش ادا مسه یابد ، اسن مبارزه به هیچ جازا نتواند گشود .

نمونه دیگری ما در اسن رفقای " نبرد " و همچنین " پیکار " از برای اثبات " رویزیونیست " و " سه جهانی " بودن ما ، حکم دیگری صادر کرده اند . گفته اند ، ما دهنی مردم را سست به هیئت حاکمه منوس و منوشی کرده و هسنت حاکمه را تطهیر نموده ایم ، دلیل اسن حکم چیست ؟ آنها با زسه بک نقل قول دیگری از " حقیقت " استناد کرده اند . نقل قول اسنست : " اسن مهم نیست که عده ای در بالا از اسن حرکت منظور مبارزه عدا مسه (اسنستی جاری) برای خود سوجسته اند ، آنکه مهم اسنست که انتظارات مردم را برای مبارزه با امبریا لیسیم آمریکا از هر کسی که امروز در اسن حاکومت فرار دارد را لامیبرد . " (حقیقت شماره ۴۵) . هم " نبرد " و هم " پیکار " از اسن نقل قول نتیجه گرفته اند که ما گفته ایم مردم نبیا بدیده اند که مسبت آن با لای چیست و چه میخواهسو اسن مهم و در نتیجه " رویزیونیست " شده ایم . جل الخالق ! تمام همان مقاله ، با لای اسن همان نقل قول و همه مقالات " حقیقت " در آن دفاع از مبارزه خدا میریا لیسیتی کنونی ، به توضیح امبال و اهداف آن " بالائیها " اختصاص داده شده است . در همان مقاله که در باره علل سقوط با زرگان منتشر شده است ، موقعیت و تضادهای آن بالائیها ، دلایل اسن استعفاء و همچنین سوء استفاده محافلی در آن بالا را از اسن مبارزه توضیح داده ایم و به صراحت گفته ایم که اسن مبارزه با بدیه تکیه بر " حرکت اصیل مردم " استوار باشد و کمونیسستها با بدیه بطنه اسن مبارزه را با " طبقات ارتجاعی " و " ارکانهای موجود چون ارتش و ... " نشان داده اسن مبارزه را " جهت " دهند و قیل از آن نقل قول نیز بساز به صراحت از اهداف و امبال سازشکاران و سوء استفاده کنندگان " بالائی " برده برداشته ایم و با زیما مسگویند که گفته ایم بالائیها " مهم " نیستند . برخلاف آنچه ادعا مسشود ، مسئله اساسا به شکل دیگری فاسل طرح است . یک مبارزه خدا میریا لیسیتی در سطح حاحمه راه افتاده است و مردم در سلوج وسیع به آن رو آورده اند ، جریانهای در بالا مسخواهند از اسن مبارزه سحق و امیل سوء استفاده کنند . برخی از نیروها چسب " پیکار " و " نبرد " و امثالهم ، به اسن بهانه که عده ای در بالا از اسن مبارزه سوء استفاده میکنند ، از دفاع از اسن مبارزه نا تنحالی خرده بسه اسن بهانه آنرا بقیه در صفحه ۱۱

حقی با سرمد "زحمت"

نمی باشد. این جمع بیظا هر یک را رهرو و اجداد روحانیون. به معنی برخوردارند
 منافع طبقات مختلف و کما کس و معارضه طبقاتی ملی و سن المطلق. سه
 جناحها و گروه بندیهای مختلف مقسم شده. در عمل خیزه میگردند. تاریخ
 ایران خود پیوسته کواها س مدعا سب. در جریان انقلاب سرو و طبقات و سن
 از آن ما جناح بدینها و گروه بندیهای میخا در روحانیون مواجه میگردند
 که علمبرداران سن طاهری نکان، در وقتیکه محصل و مسما در ره طبقاتی
 جاری قرار دادند در مقابل بکد سگرفرا بگردانده. فضل الله سوری بک
 روحانی بود و دوستی سرور روحانی بود و مودها طلبه و حجت الاسلام و آبا لینی که
 در صف مبارزان انقلابی سرو و طبقات قرار دادند سرور روحانی بودند. همه آنها
 از لحاظ اعتقادات مذهبی و موقوعات و اصالیهم، در ظا هر یک صف و احدا را
 تشکیل میدادند، لکن فضل الله سوری، مدافع و مسما سده فتوای الهی و
 سلطنت و سلطه! ابریا لسم و روحانیون مبارزان انقلابی و مشروطه خواهان،
 مدافع حقوق توده های مردم بودند و در سطوح و سطوح مختلف در این جنبه
 جای داشتند. همین صف بندیها در دوران رضا خان و بعد از آن در سالهای
 ۳۲- ۳۵ و سالیهای بعد از کودتای ویا ایچره دوران انقلاب حاصرو وجود آمده
 و جدا رذهای ما در غرضه کما کس و میبارزه، لطیانی حاصره حضور داشته اند.
 "جامعه روحانیست" در درون خود از لحاظ مدارج و العالی و امیا زان دارای
 اختلافات خاص خود است، اما بزرگترین از این اختلافات، اختلافات ملی از
 صف بندی های، لطیانی حاصره و انعکاس این صف بندی ها در درون روحانیون
 میباشد. و استکی های سیاسی - اقتصادی بخشیها و جناحهای مختلف روحا -
 نیون به گروه بندی های مختلف لطیانی در سطح حاصره، انعکاس خود را شکل
 موجه گیریهای سیاسی متفاوت و متضاد در میان روحانیون بخای میگذارد.
 آن منافع مشترکی که از لحاظ ظاهر و روحانیون را به یکدیگر میبندید، دهد،
 در برابر منافع بزرگتری که ناسی از صف بندی طبقاتی و مبارزه طبقاتی
 موجود است، کنار رفته و مجبور شدند بپرورند. از اینرو سعی توان همه
 روحانیون را به این حساب که روحانی هستند و معمم، ناک حوص را ندوسه
 آنان برخوردارند بگردند، آنطور که در فقهانی "زحمت" و بارهای دیگر میکنند،
 نمود.

ما بررسی این مسئله را در جای دیگر به تفصیل ادا می خواهیم اما در
 این مختصر فقط خواهیم نام برد اینجاست که "زحمت" در برخورد به روحانیون
 و "جامعه روحانیست" مرتکب شده است رانسان دهم.

در درون "جامعه روحانیست" حرکت آیت الله خمینی بعنوان نما
 سنده خرده بوروازی سنتی و مالکان خرده، با حرکت آیت الله طالقانی که
 افسار نشین تر جا معه را نما سندی میگردید ویا ایچره با حرکت آیت الله سرمد
 بیعتمداری که بنا بوروازی نزدیکی دارد، تری میکند و همین فرضیات که
 اساس برخوردار روحانیون را تعیین می نماید.

حرکت آیت الله خمینی نشان داده است که او از لحاظ طبقاتی نما
 سنده خرده بوروازی سنتی و مالکان خرده می باشد. ما هب دو کما سده و
 سینا سینی این خرده بوروازی، نشان دهنده آنست که ااسن سرور هم بنا
 ارتجاع و امیرا لسم و هم بنا کاکرکان و دهقانان فمیر ثفا دارد. موقعیت
 اجتماع و اقتصاد و طبقاتی این سرور، نشان دهنده آنست که سنی است که از
 حاصره مبارز لسم و ارتجاع سرو و اده و در نتیجه بنا نشو ثفا دمین ااسن
 سرور (السنه محدود و هموار که کخار رومرز) با امیرا لسم و ارتجاع میباشد.
 از سوی دیگر همین سرور به سبب موقعیت بنا سینی اس با کاکرکان و دهقانان
 ضرور و منافع انقلابی آنان معاد را دوازا کمری قدرت آنها به ضرور مومینت
 خود می رسد. لایسنه با سخا ابرسان کرد که موقعیت حاصره خمینی بعنوان
 نما سنده خرده بوروازی سنتی و مالکان خرده و هم چنین عملگردوی در این
 دوران نشان دهنده آنست که به سبب نزدیکی او به روابط فتوای و ما قبل
 سرمایه داری، در مبارزه علیه ارتجاع و امیرا لسم، وجهه ثفا دیا امیر
 با لسم حاصره سروری را در حرکت او تشکیل میدهد.) از جنبه جا یگا هی است

که خمینی یک حرکت دوگانه را انجام میدهد. همسایه خمینی کما امروز در برابر
 امیرا لسم معارضه و مت میکند، همان خمینی است که فرمان سوری مدا انقلابی
 به گردستان و آزادسای دموکراسی را صادر کرده است. ما هب و در طیوا.
 اسدوران نیز سیر کرده و بنگه دو چینه از حرکت خود را به سالی گذارده است.
 عدم درک این حرکت و چنانکه هینا سینی و دو کما به خمینی و سرورثی که از این
 لحاظ، طبقاتی بنا بندگی اس میکند، باعث سرور انحرافات "ح" و راس
 در برخورد به او و جوانب مختلف حرکت او میگردند. اس سرور از آن کما سده
 فعلی سالی دارد، حرکت سالی سزا حاصره میبدهد و در سطح صا در
 است تحت شرایط مختلف، مدا انقلابی عمل کرده به سر کوب انقلاب سردارد و
 بنا در مبارزه علیه امیرا لسم و ارتجاع با انقلاب همراهی نشان دهد. از
 دوران سرور به گردستان و آزادی های دموکراسی، وجهه غالب حرکت سبب
 خمینی، مدا انقلابی و بر علیه منافع انقلاب بود و جنبه کموسینسی و انقلابی
 ما نیز در سنی در برابر این حملات معارضه گردید و بر علیه اعمال ارتجاعی
 مدا انقلابی او مبارزه نمود. اما در طول اس دوران، از آنجا که وجهه غالب
 حرکت خمینی حاصره بود و در نتیجه حاصره غالب سرور حاصره کموسینس
 انقلابی ما نیز به این حرکت خمینی و مبارزه با اعمال و سالی سالی حاصره
 او بود، بنا های یک درک و انحراف حاصره در نتیجه سرور سده زانما سنی که
 خمینی حاصره سالی با اکثری مبارزه مدا امیرا لسمی و سالی سالی، حاصره
 دیگر حرکت سالی خود را نشان داد و در برابر امیرا لسم اسما د، حاصره
 کموسینسی ما به سرعت هبا سرور گذر سده را به شرایط سوس معمم داده،
 همه حصارا "توطئه" و امالیهم سبب و سده انحراف حاصره در غلطید.

انحراف دیگر تحلیل رفتاری "زحمت" در همین ننگه سینه است.
 رفتار حاصره مدا انقلابی و ارتجاعی حرکت خمینی را ما هب و معمم داده،
 در نتیجه سالی سرور به گردستان و آزادی های دموکراسی، ما هب
 خمینی را تغییر رفتار سالی میکند و حاصره خود را سالی سالی سرور که
 از هبا سالی سرمد در سالی سبب.

ما در عین است که امروز از خمینی در مبارزه علیه امیرا لسم و ارتجاع
 حاصره میبکیم، به هیچ رود حاصره و حوص سینی سیر شده، حاصره سرور
 و امیرا لسم حرکت سالی او سینی سبب و آن حاصره دیگر حرکت او را از سطر دور
 سبب اریم. لکن عیفا سالی اعتقاد ظاهرا "کپنه سده" سبب که سالی سالی
 و روش سرور که سبب سالی سالی خرده بوروازی هبا سالی سالی سالی در
 حکومتی حرکت آنان سبب کرده، یک سالی "حاصره" میباشد، معارضت
 حصارن بنا بندری را به سالی سالی سالی سالی حاصره همه انقلاب سالی سالی
 شکست خورده، دنیا و آموزش رهبران طبقه کار کما رگی، انگلس، لسن،
 اسن لین و ما نشودون سالی نشان داده است و هر چه سالی سالی حاصره
 سروری ار هضمه های چپانسمول مارکس سبب لسن سالی "دکنا سبب" و
 امالیهم سالی مند، از اس اعتقاد سالی سالی سالی و امولی مارکس سبب
 لسن سالی افدای "نوآوری" های سالی سالی که سالی با ره همه حاصره
 فراموش کرده و چا کذا سالی سالی سالی سالی.

(ادامه دارد)

حزب توده دروغ میگوید
 ۱۵ دسامبر ۱۳۵۸ نوشت: "سورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران حواسار
 ادا مه" مبارزه خدام امیرا لسمی و ادا مه" افسا کرسیهای دا سحویان مسلمان
 سرورخط اما ممد. "که حرفی است کما ملا دروغ و بنا ندهنده، آسب که خود حزب
 توده در سال حاصره "افسا کرسیهای" است. حزب توده سالی اسبا ادعا س
 نفل فولی سزا ا لایسنه "سورای اسباب" سبون کسه که در آن کسه سده:
 " مسلمان ادا مه" اس افسا کرسیها از ضروریهای تداوم انقلاب است... ولی
 حزب توده با دی رفته که سینه اطلاع را به اطلاع مردم سالی سالی.

این اطلاع در سالی اسنبا کرسی دان سحویان در باره نهیست آزادی سینی
 آمدودر آن سبب حاصره از نهیست آزادی دفاع سده است": "... مایلر سدن
 نهیست آزادی ایران در سالی نه ها و مطبوعات و مومع کرسیهای گوسا کون کروم
 هادرا سن رصده صفنا یک حصارن از همسایه امراض... سخی از دفاع از حاصره
 با اسخا سینی سبب... اما سخن از مخدوس گردن یک کروا سبب که ارد سر
 با زدر خط مبارزه اسلامی بوده اند و هم اکنون سالی از افرادی آرآن سالی
 مسؤل سنیهای اجرا ثی را سدیون دارند." حزب توده سالی سبب اطلاع را
 با دی رفته است!

حزب توده با دی رفته است که سخی از

نسخه در صفا

حقیقت

سخنی با نشریه "زحمت"

شده "سرما یه داری وابسته" استفاده کرده اند، ظاهراً مسیر جدیدی را برای رسیدن به همان نتایج سخت انحرافی پیدا کرده است. "زحمت" یک قدم به پیش گذاشته و برخلاف سایر انحراف‌ها، لا اقل قبول کرده است که "انگیزه اشغال کنندگان سفارت هر چه میخواد هدایت شود، وای با یاد مبارزه ضد امپریالیستی مردم و خواستهایشان (که استرداد شاه یکی از آنهاست) دفاع کرد." ("هبا هویجای مبارزه"، "زحمت"، شماره ۸). اما ادامه میدهد که "ولی هرگز نمیتوان با این نتیجه رسید که پس با ندادن هیئت حاکمه (از باصلاح "جناح فدای امپریالیست" آن!) نیز به دفاع پرداخت." (همانجا) در نتیجه ظاهر قضیه چنین است که اختلاف نه بر سر دفاع یا عدم دفاع از این مبارزه ضد امپریالیستی، بلکه بر سر دفاع یا عدم دفاع از "جناحی" از هیئت حاکمه است. اما وقتی که همین "زحمت" در همان شماره ۸ در مقاله‌های جداگانه اعلام میدارد که "مبارزه علیه امپریالیسم و بر ضد آمریکای غارتگر، مبارزه در جهت خودکفائی و شکوفائی اقتصادی است، مبارزه برای مستقل نمودن اقتصاد کشور، نه عروگان گرفتن تعدادی حاسوس و ماموران آمریکائی و برآه انداختن نمایان بدور محبوس آنها." ("مروری بر رویدادهای مربوط به اشغال سفارت و...", "زحمت" - ۸) ویا "تا آن زمان (منظورتا زمان ۲۸ مرداد) مسأله است - "حقیقت" - "هنوز در مقیاس جامعه، تضاد

واقعی بوده مردم با بقایای رژیم سابق و امپریالیسم بود." ("هبا هویجای مبارزه"، "زحمت" - ۸)، آشکارا نشان میدهد که نه تنها در گفته اولش صادق نیست بلکه به انحرافی به مراتب عمیق تر از اشتباه در ارزیابی این مبارزه ضد امپریالیستی دچار شده است. همین جا لازم است اضافه کنیم که این درک از مبارزه علیه امپریالیسم تا کیدی که "زحمت" در جایگاه "مبارزه اقتصادی" در این مبارزه میگذارد، بیانگر تسلیم و انحراف "سه جبهائی" در مبارزه علیه امپریالیسم است. "تسه جبهان" بر این عقیده است که وجهه غالب مبارزه علیه امپریالیسم در دوران کنونی نه مبارزه سیاسی و رهائی بخش، بلکه مبارزه اقتصادی است و در نتیجه مبارزه انقلابی و مسلحانه خلق‌های در بند را فدای "مبارزات اقتصادی" چون جریان‌های اوپک و امثالهم می نماید. از آنجا که این بحث، مسئله مرکزی بحث کنونی ما نیست، به همین اشاره قناعت مینمائیم.)

برای بررسی این انحراف نخست ضروری است تا با استناد به نوشته های "زحمت" با مواضع آنها آشنا شویم. بدیده رفقای "زحمت"، در هیئت حاکمه کنونی سه نیرو و نقش اساسی دارند، یکی "بورژوازی ملی لیبرال" به سرکردگی بازرگان "نماینده جناح راست ولی بهر حال تمام یالاتی به استقرار آنها در سیاست سیاسی بورژوا - دموکراتیک از خود نشان میدهد. (البته رفقا اینرا به صراحت نمیگویند، اما وقتی اعلام میدارند که با زرگان نما - بنده جناح راست بورژوازی ملی است و بعداً اضافه میکنند که جناح متوسط این بورژوازی "تمام یالاتشان برای استقرار یک رژیم بورژوا - دموکراتیک استوار و ترقوی تر از جناح راست بورژوازی ملی است"، عملاً پذیرفته اند که جناح راست نیز تمام یالاتی برای استقرار چنین رژیمی دارد، لکن این تمام یالاتیست و تضعیف تر از تمام یالات جناح متوسط این بورژوازی است.) دیگری "جامعه روحانیت" است که "عقب‌گرا و غیر مترقی" است و با بسند بعنوان "یک مجموعه" و "جمع مرکب" مورد بررسی قرار گیرد و "قادر نیست بعنوان یک مجموعه با امپریالیسم از موضعی مترقی مبارزه کند" و با اشاره سومین نیرو، جریان "بظا هر خرده بورژوازی"، با سرناهای "بظا هر خرده بورژوازی" میباشند که امروز "بوروکرات تیره" شده و "انحصار طلب" است و "با تکیه بر سرمایه دولتی"، میخواد رژیمی چون رژیم بعثی عراق برپا کند و در نتیجه نمیتواند ضد امپریالیست باشد. با چنین توصیفی از ماهیت جریان های اساسی در هیئت حاکمه، رفقا ما هیئت و جایگاه و نیروها را در طی ۱۵ ماه گذشته به دو دوره تقسیم میکنند. یک دوران، دوران قیامت ۲۸ مرداد

اصال است و دوره دوم دوران پس از ۲۸ مرداد (حمله به کردستان و آزادبها دموکراتیک و تشکیل "مجلس خبرگان"). بر این اعتقادند که دوره اول، هیئت حاکمه "بعنوان یک مجموعه"، نقشی "بینا بینی" ایفا میکرد و در آن زمان "تضاد واقعی بوده مردم با بقایای رژیم سابق و امپریالیسم بود و تا آن زمان شعار مرکزی مارکسیست - لیننیستها بدرستی این بود که با ندادن انقلاب ادا مهابا بدو با پیدرسرنگونی سلطنت که در بهمن ماه صورت گرفت، به سرنگونی و نابودی نظام اجتماعی - سیاسی با زمانه زدوران شاه مخلصوع بیانجامد." اما با آغاز دوره دوم، یعنی با "یورش سبعا نه به آزادبهای فردی و دموکراتیک و... یورش جنا پیکارانه به کردستان و... ماهیت هیئت حاکمه تغییر کرده، به "راس تازهای برای آن نظام" تبدیل و "در راه حفظ آن نظام" فدا انقلابی عمل می نمایند. نتیجه اینکه امروز دیگر "تضاد واقعی بوده مردم" با "بقایای رژیم سابق و امپریالیسم" نبوده و بلکه زدن و سرنگونی این "راس" جدید بعنوان راه ادامه انقلاب و "تضاد واقعی" بوده مردم در دستور کار قرار گرفته است. (همه نقل قولها از "زحمت" شماره ۸ میباشد).

مبارزه ضد امپریالیستی کنونی، هر چند هر که بزرگم بعضی ها "هبا - هوئی برای هیچ باشد، با زاین حسن راداشته که با اواخر پس از ۹ ماه، به جنبش کمونیستی ما نیز تگانی داده و بسیاری از گروهها و سازمانها را مجبور به اتخاذ مواضع و تحلیل های مشخص نموده و بر آن کلی گوئی های رایج نقطه پایانی گذاشته است و اختلافات موجود میان همه آنها بی راکه تا بحال زیر پرچم سه ظاهرا واحدی گرد آمده بودند را عیان کرده است، و خود میتواند آغاز خوبی برای یک مبارزه ایدئولوژیک سالم باشد. امیدما نیز اینست که چنین باشد. گفتیم که "زحمت" از مسیر جدیدی به همان نتایج انحرافی رایج در جنبش ما رسیده است. سایر رفقا تقریباً از یک فرمول استناد رده شده، ولیکن اثبات نشده ای پیروی میکنند. میگویند، جامعه سرما یه داری وابسته است و هیئت حاکمه نیز مداخله سرما یه داری وابسته و در نتیجه این وابسته هائی - تواننده دست به مبارزه ضد امپریالیستی بزنند و در نتیجه خیال خود را راحت کرده و آنها را قادرند همه مسائل اجتماعی را با این فرمول توضیح دهند. پایه های استدلال آنان بر یک فرض استوار است و هنوز این فرض را اثبات نکرده، همه حور نتیجه گیری دور و نزدیک نیز از آن کرده اند. حسن "زحمت" اینست که لا اقل این روش را تکرار نکرده، کوشیده است، طبقات و گروه بندی های طبقاتی را در جریان انقلاب و مبارزه طبقاتی مورد بررسی قرار دهد و بجای تکرار فرمولهای کتابی روش صحیحتری را در پیش گیرد و همین روش است که آنها را لا اقل در بخشی از تحلیلهایشان و تا آنجا که مربوط به دوره اول حرب کت و جایگاه هیئت حاکمه است در مسیر درستی قرار میدهد. لکن این رفقا نیز در جریان یکی از چرخشهای هیئت حاکمه، دچار انحراف شده، به انحراف فجویان "چپ" می پیوندند و راهشان به همان مقصدی ختم میشود که سایر انحراف فجویان "چپ" از مدتها قبل با فرمولها و احکام زایش ساخته شده در انتظار رشان نشسته بودند.

بایه و اساس این انحراف در تحلیل نادرستی است که این رفقا از "جامعه روحانیت" ارائه داده اند. همانطوریکه نقل کردیم رفقا "جامعه روحانیت" را بعنوان "یک مجموعه" تجزیه ناپذیر و "جمع مرکب" مورد بررسی قرار داده با اشاره به ظواهر و نهادهای مذهبی و مادی ایکه روحانیت را بیکدیگر پیوند میدهد، آنها را کل "یک جریان فئودالی" و "عقب‌گرا و غیر مترقی" قلمداد کرده اند و در نتیجه زدرک چگونگی حرکت و موضع گیری بخش هائی از این روحانیت عاجز مانده، آنرا به حساب این ماهیت "فئودالی" "توطئه" و "هیا هو" می پندارند. این ارزیابی نادرست که از جانب برخی نیروهای دیگر (چون "راه کارگر") به وضوح بیشتری در جنبش ما طرح شده بر این عقیده است که "جامعه روحانیت"، به سبب پیوندهائی که با شیوه تولیدی فئودالی دارد بعنوان یک نهاد مذهبی - اجتماعی به آن دوره از تکامل جامعه متعلق دارد و همچنین به این علت که ما را معاش و درآمد روحانیت از یک منبع واحد (موقوفات، خمس و ذکات) تامین میگردد، آنها را یک کل تجزیه ناپذیر و "جمع مرکب" دانسته، به جزا آن برخوردی یکدست و یکسان می نمایند. شک نیست که "جامعه روحانیت" بوسیله بندها متعددی از جمله اعتقادات مذهبی و موقوفات و امثالهم بیکدیگر متصل شده، از این لحاظ دارای منافع مشترکی می باشند، اما در جامعه طبقاتی، همه چیز طبقاتی را خورده و خارج از آن قابل تصور

حقیقت

افغانستان و بندهای آن

جمهوری اعلام شد. نخستین رئیس جمهور افغانستان محمد داود خان از سال ۱۹۵۳ تا سال ۱۹۶۳ نخست وزیر افغانستان بود و در کشور خود بعنوان یک سیاستمدار ترنمخواه و فعال شهرت یافته است. (مردم دوره ششم، شماره ۱۰۱ - مهرماه ۱۳۵۲ - اکتبر ۱۹۷۳). بنا بر این با کودتای محمد داود خان، بنظر حزب توده، "سلطنت الفاء گردید و جمهوری اعلام شد" و محمد داود خان هم که نخست وزیر محمد ظاهر شاه به مدت ۱۰ سال بود، "سیاستمدار ترنمخواه و فعال" بوده است. ولی چند سال بیشتر طول نکشید که "جمهوری" دوباره سلطنت شد و یکبار دیگر با کودتای نور محمد تره کی سلطنت "الفاه" میگردید.

مردم زحمتکش افغانستان ... یک سال پیش با ظلم خاندان حاکم سلطنتی را سرای همشاه زکوری خود سرحیدند. (مردم شماره ۳-۸ فروردین ۱۳۵۸) منظور کودتای تره کی در آوریل ۱۹۷۸ است.

"حفظ الله ما من نخست وزیر جدید افغانستان رسماً اعلام دادند که اسناد و مدارک محکمی بدست دولت افغان نگه داشته میگردند و مل توطئه و تخریب در مین ما از خارج بول و تجهیزات دریافت میدارند، نخست وزیر افغانستان در محاصره دیگری با خبرگاران این سرحدات - نان تحریک و تنش را با بطور معرفی کرد: امیرالاستها، سوسو همکاری ما ثبوتیهای یکن و دارو - دسته مهنونستهای حاکم بر اسرائیل اسلحه و بول برای باندهای ترور - یست و فتوایهای خلق یدشده در افغانستان معرستند. (مردم شماره ۴ - ۱۵ فروردین ۱۳۵۸) فرمول همیشگی حزب توده و احزاب براب - درش در کوبیدن جنبش مردم، وابسته کردن آنها به امیرالاستها، ما ثبوتیستهای و مهنونستهای. ولی از تقاضای روزگاریه ادعای بیریخان، خودحفظ الله ما من "جاسوس امیرالاستها - لیسیم آمریکا" بود!! بلکه ایشان جاسوس بودند، ولی جاسوس امیرالاستها لیسیم روسیه، همانطور که بیریخان است!

... بدین جهت است که ما عسکرات داخلی را در افغانستان و جمهوری اعلام شد. نخستین رئیس جمهور افغانستان محمد داود خان از سال ۱۹۵۳ تا سال ۱۹۶۳ نخست وزیر افغانستان بود و در کشور خود بعنوان یک سیاستمدار ترنمخواه و فعال شهرت یافته است. (مردم دوره ششم، شماره ۱۰۱ - مهرماه ۱۳۵۲ - اکتبر ۱۹۷۳). بنا بر این با کودتای محمد داود خان، بنظر حزب توده، "سلطنت الفاه گردید و جمهوری اعلام شد" و محمد داود خان هم که نخست وزیر محمد ظاهر شاه به مدت ۱۰ سال بود، "سیاستمدار ترنمخواه و فعال" بوده است. ولی چند سال بیشتر طول نکشید که "جمهوری" دوباره سلطنت شد و یکبار دیگر با کودتای نور محمد تره کی سلطنت "الفاه" میگردید.

(منظور کودتای امین علی به ترکی است) فقط حق حزب خلق افغانستان مدانسم و معتقدیم که این تفاسیرات در آخاه تناسب مسالی که برای - سان مطرح است (کدام مسائل؟) انجام میگردند، بطور عادی ما از محصلول ساستی که الان رهبری افغانسان

در پیش گرفته، در حل بعضی از بفر - نحها، در اینجا دمخط آرا متری در افغانستان، با حوس بیسی و حوس حالی استقبال میکنم و معتقدیم که این قدمها کمک خواهد کرد در مرکز بیشتر نیروهای ملی و خلقی افغان - ستان ... (از محاصره کاسوری مردم شماره ۶۲ - ۱۸ مهر ۱۳۵۸) این هدف دفاع الفاه و الفاه از حفظ الله امین و خط مشی او با لایحه هر چه باشد کودتای امین روسی بود و حزب توده هم وظیفه ای دارد که انجام میدهد، ولی بیچاره حزب توده نمیدانست که فقط چند ماه بعد با یداز "سیاستهای رهبری الان افغانستان" بمثابه یک "مشی فدا نقلابی" نام ببرید جدا که نوکری، آدم را به چه با لانتها بی وای دارد!

"دستی که باید بشرد ... حفظ الله امین که در سراسر فراغ التحصیلان دوره فترده سیاسی قوای مسلح افغانستان صحبت میگردند گفت: "ما دست دوستی سطرف ایران دراز میکنم و آرزو مندیم تا فرصت مساعدی برای مذاکره ما رهبران ایران پیش آید و مشکلات موجود از طریق مذاکره حل و فصل شود" بنظر ما، مسعود انقلاب ایران و انقلاب افغانستان، سود همه ملل منطقه است که با دست دوستی فترده سودا میریالستها، سوزه امیرالاستها آمریکا، دشمن عمده خلقهای ما و ایجاد کننده تمام تسخها و توطئهها در هر کشور در زیر فشار قرار گیرد و کوبیده شود. (مردم شماره ۱۲۱، ۲۸ آذر ۵۸) دستی را که حزب توده پیشنها د فتردهش را می کرد فقط بگفته بعد بقول خود بیریخان دست "امیرالاستها آمریکا" بسود و بقول خود حزب توده دست "یک مشی فدا نقلابی" !!

"این مشی فدا نقلابی (مشی حفظ الله ما من) که زمین را برای عملیات تخریبی و توطئه های نسرو - های فدا نقلاب و حامیان امیرالاستها آن فراهم میساخت، افغانستان را به یک جنگ فرسایشی، در عین خاطر انداختن دساوردهای انقلاب روسرو ساخته بود. (مردم شماره ۱۳۰ یکشنبه ۹ دیماه ۱۳۵۸) مشی که قرار بود به "تمرکز بیشتر نیروهای ملی و خلقی بقیه در صفحه ۱۰

حزب توده دروغ میگوید

اعضای "شورای انقلاب" آقاسای بازگان، قطب زاده، بهشتی، سحایی، هاشمی رفسنجانی، باهنرو... هستند که خود را جزو نهضت آزادی هستند و با به صراحت از موضع گیری و محکوم کردن حتی امیرانتظام خودداری کرده اند تا چه رسد به نهضت آزادی و افشاگری از جریان بورژوا لیبرالی موجود در جامعه! معلوم نیست این "شورای انقلابی" که حزب توده با آب و تاب میبوسد که از دانشجویان خواستار افشاگری شده گمانی هستند. نکنند بگفته ا جنه و ارواح پر درون این "شورا" نفوذ کرده اند و ما خبر نداریم!

حزب توده دروغ میگوید! دروغش هم معلوم است، هم میخواهد از تو - بره بخورد هم از آخور. هم میخواهد خود را به دانشجویان بچسباند و هم به حکام در قدرت! و بنا بر این با بدین نوعی دانشجویان را به "شورای انقلاب" سه چسباند! وجه راهی بهتر از دروغ گوئی!

بازگان از خط...

کسب میسیم آ تا حزب توده حزبی غر از این می گفته است؟

"اکنون کشور ما در مرحله ملی و دموکراتیک انقلاب اجتماعی قرار دارد یعنی انقلابی که هدف آن انتقال قدرت حاکمه از دست طبقات ارتجاعی بدست طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیک است. ولی تحقق یافتن این دورنمای جنبش انقلابی ایران مستلزم اجتماع یک سلسله عوامل عسی و ذهنی است. لکن معدن آزادهای دموکراتیک مانع عمده در راه اعتلای نهضت است که هدف ما در این دوره مبارزه فقط ما سامان دادن به نسوه، مطلقه حکومت و استغرا از آزادهای است که به موجب قانون اساسی و حقوق بشر تصریح گردیده است." (دسامال ۱۰ شماره ۱ - ۱۳۴۸)

حوب آ تا شما هیچ مرتقی س خط آقای بازگان و حزب توده میبیند فقط حزب توده کمی "نشوریک" ترحف میزند، پس در محتوای "مبارزه" هیچ اختلافی بین آقای بازگان و حزب توده نیست. هر دو سرای فاسون اساسی با بندهای سلطنت آن دست و پا می زنند!

اما گفتیم آقای بازگان "دموکراسی" نمیدانند هدایای "شاهنشاه" را میخواهند بشو به، مالمت آسز در یافت دارد. حزب توده هم به بنظر: "هر انتقال قدرت با جابجایی تحمل است آنها این انتقال قدرت میتواند از طریق مالمت آسز و بدون قسام مسلح و جنگ انقلابی صورت گیرد." (دنی شماره ۲۰ - ۱۳۵۴، آقای احسان طبری) حصرات حزب توده در سوزه مبارزه نیز هیچ تفاوتی با آقای بازگان ندارد! تنها فرقیان اینست که آقای بازگان مالمت جوانه سخاوت "دموکراسی" نسبند و سگرد و حزب توده میخواست مالمت جوانه "انقلاب" کند!! پس ما بسخود نمی گوئیم که آقای بازگان از خط حزب توده هم دفاع میکنند!

در حاشیه ...

و نیروهای انقلابی ایران از جنبش خلق سراد فلسطین بوده است!

در حاشیه این گردهمایی، شاید بدنبال شنبه نگاشته اشاره کنیم: ۱- در عرض ۹ ماه حکومت دولت بازگان و ۴ ماه حکومت همان نیروها زیر نام "شورای انقلاب"، مردم ایران از بیوندیابی با متحدان طبیعی شان یعنی جنبشهای آزادی بخش محروم ماندند. بالعکس در جهت وحسنت مردم و انقلاب ایران با انقلابهای سایر خلقها از طرف نیروهای حاکم کسار شگنی نیز میشود. هنوز مردم ایران یا دشان نرفته که چگونه ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دستور بستن ستاد جنبش آزادی بخش فلسطین را در اهسواز صادر کرد. و هنوز مردم ایران یا دشان نرفته که چگونه بجای جنبش آزادی بخش عمان، سروکله نمابنده قایوس جلاد در تهران پیدا شد و آقای وزیر امور خارجه وقت هم بوی قول و قرار عدم کمک به جنبش عمان را بوی داد! و با چگونه جاسوس آمریکا، امیرانتظام در مقام سخنگوی دولت بازگان از عدم کمک ما دی به انقلاب فلسطین دم میزند.

هنوز هم اوضاع بر همان روال است! "شورای انقلاب" هم از این گردهمایی دل خوشی ندارد و تا کنون حتی یکبار هم از آن نامی نبرده و همه کارها به استکار دانشجویان انجام شده است. در محاصره ای که دانشجویان با مطبوعات داشته اند بطور ضمنی حتی مخالفت "شورای انقلاب" را اعلام کردند:

سخنی پانشریبه زحمت : مبارزه ضد امپریالیستی هیاهو نیست

مخلبت در آن ، مباحث فراوانی در جنبش کمونیستی ما در آن زده و در عین حال بر خود یک انحراف " جب " بر آن جنس صدکذارده است . از جمله جریانی که در آن انحراف سنگ تمام بخدا سهاست ، رفقای " اتحاد انقلاب " بی برای رهائی کار " میباشد . انسان سکی جسمی و واقعیات کنونی جامعه ما و مبارزه و کساکش بقیاسی جاری در آن وصف بندی و آرایس بیروهای ، لبقا- تی کوناگون بسته ، همه چیز را " هیاهو " ، " روبودادهای همان انکسز " و " اناهر سازی " دانسته ، با یک سار بو و تصویر خود ساخته از آنجا امروز در جامعه ما منکذرد ، مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما را تخطئه کرده ، بسهم خود در نیمه هر چه سسترا انحراف غالب بر بسیاری از گروه ها و سازمانهای جنس ما کوسده اند و سسترا انحراف " غناء " نشورک، جدیدی داده اند .

اسدلال اساسی " زحمت " همان است که همه انحرافات " جب " ارائه داده اند . هیئت حاکمه برای تسبب موقعیت خویش و جبران سکت هیاهو و افیضات بخدا سها " هیاهو " را بر آه انداخته است . اما " زحمت " سر خلاف سار بر انحرافات جویان که از فرمول استناد دارد

مبارزه ضد امپریالیستی کسوتی و مشر و جایکا سبروه های

'انحرافات' ما!

سبب آن است اینها ما را سبب درستی استوار رهنشند ما؟ این کار ضروری است زیرا هنوز هم سنده رفقای جریانات مختلف " لاله " کرده به ما انحراف فراوانی سبب داده اند . مثلا رفقای " نبرد برای رهائی لیمه کارگر " ، ما را جریانی با انحراف " رویزونیستی " ، " اسرائالی " ، " کمونیستی " ، " رهرو- ان رویزونیسم " و ... دانسته که زیر " بوت " ما رکسم " فعالیت میکنند و رفقای سکا هم کم- افسی کرده ، ما را " سحیانی " و " افیضا " رویزونیست " بقیه در صفحه ۱۲

قصدا ما این بود که در این شماره مقالهای جامع در بر خور بدسته نقطه نظرات " سازمان سکا در راه آزادی طبقه کارگر سوسیالیست " این رفقا را موردیک بررسی همه جاب شه فراردهیم . لکن انتشار مقالای " زبگزامی ضد انقلاب و ... " (سکار ۲۲ و ۲۴) و لریز خورد این رفقا به مبارزه بدشو اوژک کنونی و همچنین مقالات " رهروان رویزونیسم در سو- شت ما رکسم " رفقای " نبرد " ، ما را بر آن داشت تا قبل از ورود به بحث اصلی قدری به " انحرافات " بست داده شده به ما بر خورده سیم و بسه

در حاشیه گردهم آبی جنبشهای آزادپیش

به استکار دانتجویان سر و خط : ام ۱۳ از دیماه تا ۱۹ دیماه ، شما سندگان برخی از جنبشهای آزاد سخی از نقاط مختلف جهان گردهم میآیند . این حرکتی است از زنده و در خور ستاسی که یکی از نتایج مبارزه ضد امپریالیستی جاری در ایران ، در عرصه خارجی میباشد !

مردم ایران در طی این گردهم آبی فرصت بسیارند تا از نزدیک با اهداف ، دوسنان و دشمنان ، نیارها و نخرسبات خلقیای ما رزما بیرونقاط جهان آشنا شوند . اجری که خلقیای ما رزما بر آن همواره سبفته اس بود سند و نمونه اس دفاع بی قید و شرط و همسنگی همه خلقها

افغانستان و بند بازان حرفه ای بنام حزب توده

افغانستان اینست مواضع حزب توده را در عرض این ۸ - ۹ ماه گذشته و سس از آن به اطلاع خوانندگان برسانیم :

" روز ۱۷ روتسه ۱۹۷۲ در کسور هماسه و همریان ما افغانستان سؤل تاریخی بزرگی رخ داد ، سطلب العاء کردند بقیه در صفحه ۱۵

اشنا ، نظامی افغانستان از طرف شوروی و ساقبل بدن رژیم حفیظ اللها مین در آنجا ، حزب توده را با سکنلی روبرو کرده است . آخر هر نوکری نمیتواند سرعت چرخشها و با لانسهای که ارباب میخواهد ، آنهم بدون اطلاع تمامی ، انجام دهد . فقط کافی است تا در مورد

بازرگان از خط حزب توده هم دفاع می کنند!

احساس از دفاع آقای بازرگان ارامراسط مر سواسنده ، روزنامه " مردم " سوب که " بازرگان از خط خود دفاع میکند " سبب سهاد حزب سوده سآ و رسم (اگر سادس رسد) که در ضمن بازرگان از خط حزب توده هم دفاع میکند و محتاج یک ساه ساسگراری از حزب سوده سبر مساند؟! "

خط آهای بازرگان چه سوده؟ سبک کلام سبب اسناد او اجرای کامل ساسون اساسی حوسب سسرات حزب سوده رجوع بقیه در صفحه ۱۵

بنگاه جاسوسی بنام حزب توده چرا حزب توده در سازمانهای متروقی جاسوسی میکند؟

روزنامه مردم موضوع را اعلام سمودند . زمانیکه کانیدیای مجلس خبرگان حزب توده در اضفهان ساواکی از آب در آمد با زهم تقصیر را بگردن مسئولان مملکت انداختند که چرا از سبیل اساسی ساواک را منتشر سکرده و به اینان سگفته است!

بقیه در صفحه ۱۵

زمانی که معلوم شد " عباس شهریاری " معروف به هزار چهره یک عنصر مسئول ساواکی است و در عین حال مسئول مسئول تشکیلات تهران حزب توده در زمان شاه مخلوع را داشته ، گفتند که تمیذا نیستند و ساواکی است و مدت سه سال پس از کشف این مطلب با لخره در

حزب توده دروغ میگوید

بدشبا ، افتاکر سبای دانشجویان بیروحط اما موموضع کسری سبای مقامات مملکتی در مورد آن ، حزب توده در ظا هربا تیت در رسب در روزنامه " مردم " نوشت : " دانشجوی خط امام اشاکن ، اصاکی و ... و سبب سربسب سوباد رکنان دانشجویان مبرار گرفت ، ولی حزب سوده دروغ میگوید!

حزب سوده در روزنامه اس " مردم " در سار سب بقیه در صفحه ۱۳